

اگرچه

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۳۱۴
عادت ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره

جنگی دیگر

صدام حسین، دیکتاتور عراق جنگی دیگر آغاز کرده است. حاکم بغداد در توسعه طلبی خود، حد و مرز نمی شناسد. ده سال پیش، رژیم عراق با تهاجم به خاک ایران، قصد تصرف خوزستان را داشت. این نقشه شکست خورد. اینک صدام حسین با "فتح" کویت، طعمه‌ای بزرگتر از خوزستان به دست آورده است. و این بار، هیچ دولتی در جهان از این تجاوز آشکار دفاع نمی‌کند.

پیامدهای این تجاوز، بسیار خطرناکند. صدام حسین با ماجراجویی جدیدش، دهنوتنامه‌ای برای ناوگان آمریکا فرستاده است. درگیری نظامی احتمالی آمریکا و عراق، هواقتب بسیار مملکتی برای منطقه خواهد داشت. ایران نیز از آتشی که چنین تشنجی بر می‌فریزد، بی‌نصیب نخواهد ماند. البته لازم به تذکر است که چند سال مقاومت منعی مردم ایران در برابر جنگ‌افروزی آخوندهای حاکم از فقها امکان ماجراجویی‌های جدید را تا حد زیادی سلب کرده است. اما اگر پای پنتاگون به این ماجرا کشیده شود، چشم‌انداز تحولات آینده به کلی نامعلوم خواهد بود و چارچوب محاسبات فعلی به هم خواهد ریخت.

اکنون موقعیت بسیار خطیری ایجاد شده است. تحولات منطقه، روز به روز و هفته به هفته‌اند. آنچه دیروز غیرممکن می‌نمود، امروز ممکن شده و آنچه امروز تصورش هم نمی‌رود، ممکن است همین فردا روی دهد. این بی‌ثباتی، مشخصه اصلی موقعیت کنونی است.

تاکنون رژیم جمهوری اسلامی از ماجرا به کنار مانده است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی در محکومیت تجاوز عراق، لحنی را انتخاب کرده است که ایران را در کنار اکثریت کشورهای جهان قرار می‌دهد. باید کوشید چنین که تا به حال بوده، بماند. مردم ایران پس از هشت سال جنگ، بیش از هر چیز به صلح پایدار و باثبات نیاز دارند. ایران باید نقشی موثر در تلاشهای دیپلماتیکی که برای دفع تجاوز عراق آغاز شده است، ایفا کند. نه کمتر و نه بیشتر.

تهاجم عراق به کویت بار دیگر نشان داد که دیکتاتوری و جنگ، به هم گره خورده‌اند. رژیم‌هایی که در رابطه خود با مردم، به سرنیزه متکی است، هر جا که بتوانند، با دیگران نیز به زبان قهر سخن می‌گویند. از این رو، سخن رئیس‌جمهوری آمریکا بجاست که گفته است در جهان امروز دیگر جایی برای قلدر منشی‌هایی از این دست نیست. اما آقای بوش گویا فراموش کرده که همین هشت ماه پیش، خود دستور لشکر کشی به پاناما را داد. آری، جهان امروز دیگر جای قلدری نیست، اما هدالت هم به تحکیم پذیر نیست. اگر توسعه طلبی بد است، همه توسعه طلبان را باید محکوم کرد. دولت آمریکا در همین چند سال اخیر، کارنامه سیاسی دارد که هیچ تطابق با فضای تنش‌زدایی حاکم بر جهان نشان نمی‌دهد: گرانادا، لیبی و پاناما، "کویت" های آمریکا بوده‌اند. باین کارنامه سیاه، آمریکا نمی‌تواند "زندانارم" منطقه خاورمیانه باشد. دخالت آمریکا، به معنای گسترش جنگ خواهد بود و نه بازگشت صلح. از این رو مبارزه با خطر، مداخله نظامی آمریکا، وظیفه اصلی همه نیروهای است که به برقراری صلح و ثبات در منطقه علاقه‌مندند. این مبارزه از مجاری سیاسی و دیپلماتیک می‌گذرد.

مسئولان جمهوری اسلامی در یکی از دشوارترین مقاطع دوران حکومت خود قرار گرفته‌اند. آنها که تا پیش از تحولات اخیر، به لحاظ سیاسی تصمیم گرفته بودند که به صلحی دائمی با عراق دست یابند، اینک باید در قیاب خمینی، یک تصمیم حیاتی دیگر بگیرند: آیا باید مسئولانه در جهت برگرداندن آرامش به منطقه حرکت کرد و همه چیز را در مناسبات با سایر کشورها تابع این ضرورت نمود، و یا باید باز به یاد شعارها و مواضع نشات گرفته از یک استراتژی توسعه طلبانه، همانند مشی رژیم صدام حسین، اما با نشانندن پان اسلامیسیم به جای شو و نیسم هری، افتاد؟

رئیس کل بانک مرکزی:

ظرف پنج سال ۱۷۵ میلیارد دلار وام می‌گیریم

سید محمدحسین هادلی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در نشست یوم "سمینار موسسه تحقیقات پولی و بانکی" اعلام کرد: "در برنامه ۵ ساله پیش‌بینی شده است که از منابع خارجی بهره‌برداری کنیم. ما در صددم تا آنرا از منابع و موسسات یا کشورهای تهیه کنیم که به نقصان باشد. قرار است مبلغ ۱۷/۵ میلیارد دلار از منابع خارجی برای پروژه‌های مختلف استفاده کنیم." هادلی افزود: "این برای مشورت‌های سالیانه به

عراق کویت را اشغال کرد

محکومیت تجاوز عراق توسط وزارت خارجه جمهوری اسلامی
شورای امنیت سازمان ملل خواهان عقب نشینی فوری نیروهای عراقی شد

به یک "گورستان" تبدیل خواهد کرد. به گزارش دیپلمات‌های خارجی، حدود ۳۵۰ تانک عراقی چند ساعت پس از عبور از مرز، وارد پایتخت کویت شدند که با مرز عراق ۶۵ کیلومتر فاصله دارد. شاهدان عینی گفته‌اند بنادر

روز پنجشنبه ۱۱ مرداد، برابر دوم اوت، نیروهای عراقی به کویت حمله کرده، تاسیسات کلیدی این کشور را به اشغال خود در آورده، یک دولت طرفدار بغداد در کویت مستقر ساختند. شیخ جابر الاحمد الصباح، امیر کویت، بنابه برخی گزارش‌ها به عربستان سعودی گریخت. ارتش عراق ۲۰۳۰۰ نفری کویت، در برابر نیروهای مسلح یک میلیون نفره عراق، توان مقاومت نیافت. برای نخستین بار در تاریخ معاصر، یک دولت عرب، یک کشور عربی دیگر را تصرف کرد و حکومت آن را برانداخت. نیروهای عراقی پس از اشغال ساختمان‌های دولتی در شهر کویت، پایتخت این

امیر نشین حاشیه خلیج فارس، به سوی مناطق جنوبی این کشور که نفت خیز است، پیشروی کردند. شیخ سعود ناصر الصباح سفیر کویت در آمریکا از ایالات متحده خواست که علیه عراق مداخله نظامی کند. اما جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا خاطر نشان کرد کشورش در صدد اقدام نظامی علیه عراق نیست. با این حال چند کشتی نیروی دریایی آمریکا راهی منطقه شدند. عراق تهدید کرده است در صورت مداخله هر قدرت خارجی در جنگ، کویت را

داشت. ارتش عراق پس از تصرف شهر کویت، در تقاطع‌های مهم پست‌های بازرسی مستقر کرد. نظامیان عراقی به روی هر اتومبیلی که به فرمان ایست آنها وقعی نمی‌گذاشت، آتش می‌گشودند. در برابر ارتش عراق مقاومت‌های پراکنده‌ای صورت گرفت، و در نتیجه در طول روز صدای انفجارها و شلیک تیر در شهر کویت به گوش می‌رسید. در شامگاه پنجشنبه، عراقی‌ها کنترل شهر را در دست خود داشتند و قصر امیر کویت، فرودگاه بین‌المللی و بانک مرکزی این



تظاهرات کویتی‌های مقیم لندن در برابر سفارت عراق

حمله محتملی به مصوبات مجلس خبرگان

در جلسه ۲۷ تیر مجلس شورای اسلامی، علی‌اکبر محتشمی نماینده تهران و سخنگوی جناح "خط امامی" به مصوبات اجلاس ۲۴ تیر ماه مجلس خبرگان حمله کرد. وی به ویژه قراردادان مسئولیت رسیدگی به صلاحیت نامزدهای عضویت در مجلس خبرگان بر عهده شورای نگهبان را مورد انتقاد قرار داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تصمیم‌گیری درباره مسائل مربوط به "رهبری"، از جمله سپردن "ولایت فقیه" به این یان آخوند، بر عهده مجلس خبرگان قرار دارد که خود از تعدادی آخوند تشکیل می‌شود. طبق روال قبلی، آخوندهایی که می‌خواستند عضو این مجلس

شوند، باید از سه "استاد" حوزه علمیه تم کافذ می‌آوردند که به مرحله معینی از "اجتهاد" رسیده‌اند. هشتمین اجلاس سالانه مجلس خبرگان که اخیراً به جای قم در سالی واقع در مجتمع محل اقامت خامنه‌ای در تهران برگزار شد، (این سالن را "حسینیه امام خمینی" نامیده‌اند و معمولاً خامنه‌ای در آن "بارعام" می‌دهد)، تصمیم گرفت به جای "سه استاد حوزه قم"، شورای نگهبان صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان را تشخیص دهد. جنتی نماینده و مشکینی رئیس مجلس خبرگان، به ترتیب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ تیر و ۵ مرداد قم، در مورد مصوبات این مجلس توضیحاتی دادند. جنتی

گفت که چند ماه دیگر، دوره هشت ساله مجلس خبرگان به پایان می‌رسد و این جلسه، آخرین اجلاس مجلس خبرگان بوده است. وی افزود: "یکی از مهمترین مسائل مطرح شده مسئله تایید صلاحیت علمی، اخلاقی و سیاسی بقیه در صحنه ۳"

پیرامون اجلاس اخیر اوپک

گرفتن سهمیه‌ای معادل ۱/۵ میلیون بشکه در روز، قول داده است که دیگر از مقررات اوپک تخلف نکنند و به تولید اضافی نپردازند. کویت و امارات متحده عربی تا پیش از اجلاس اخیر مقررات اوپک را رعایت نمی‌کردند، به طوری که علیرقم توافق ماه مه اوپک در تعیین سقف تولید ۲۲/۱ میلیون بشکه در روز، تولید نفت اوپک گاه تا ۲۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و قیمت نفت راتازیر ۱۴ دلار پایین برد.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در اجلاس وزرای نفت این کشورها در ژنو تصمیم گرفت بهای هر بشکه (۱۵۹ لیتر) نفت را از ۱۸ به ۲۱ دلار افزایش

- در این شماره
- ★ آدآمده موضوعیهای خوش بینانه در مورد صلح میان ایران و عراق در صحنه ۲
- ★ وقتی خلخال می‌مصاحبه می‌کند در صحنه ۳
- ★ شکستن یک تابوی دیگر در صحنه ۳
- ★ باید وام گرفت یا نه؟ در صحنه ۴
- ★ نبحریه و حسرت سالهای گذشته در صحنه آخر
- ★ "سوسالیسم" مرد، زنده باد سوسیالیسم در صحنه ۶
- ★ شرکت‌های چند ملیتی - فراملیتی - ماورای ملیتی در صحنه آخر
- ★ اهمیت انرژی خورشیدی در دنیای فردا در صحنه ۵
- ★ خوگیری به الکل: وراثت یا زمینه‌های اجتماعی؟ در صحنه ۷

عراق در اجلاس ژنو می‌خواست قیمتی معادل ۲۵ دلار تعیین شود، اما به بشکه‌ای ۲۱ دلار رضایت داد. آقازاده وزیر نفت ایران اظهار امیدواری کرد که اعضای اوپک، تصمیمات اجلاس اخیر را رعایت کنند. سخنگویان شرکت‌های نفتی غربی می‌گویند در صورت اجرای تصمیمات ژنو، میزان نفت تولیدی اوپک کمتر از تقاضا در بازار جهانی خواهد بود و به افزایش قیمت نفت خواهد انجامید. وزیران نفت اوپک دو گروه ناظر را تعیین کردند تا اطمینان حاصل شود که کلیه اعضای اوپک سهمیه‌های تولید را رعایت بقیه در صحنه ۲

عراق کویت را اشغال کرد

بقیعه از صنم اول کشور را تصرف کرده بودند. تا ساعت ها پس از تصرف کویت توسط عراق یک ایستگاه رادیویی وقادار به دولت صباح کماکان مردم کویت راه مقاومت در برابر متجاوزین فرامی خواند. تلفات کویت بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر گزارش شده است.

ادعای رسمی دولت عراق این است که به کمک یک "دولت موقت" شتافته است که با کودتا قدرت را در دست گرفت. بیانیه "شورای فرماندهی انقلاب عراق" حاکی است دولت عراق "به محض برقراری آرامش و طرح خواست عقب نشینی از سوی دولت موقت آزاد"، نیروهای خود را از کویت فرا خواهد خواند. دولت امیر کویت از محل نامعلومی به فرستادن پیام برای مردم این کشور ادامه می دهد.

قرار است روسای شش کشور حضور شورای همکاری خلیج (کویت، عربستان، قطر، امارات، بحرین و عمان) برای هماهنگی اقدامات خود علیه عراق گردد.

دولت موقت "طرفدار عراق روی فرستاده ای که فرانکس آن تا به حال در کویت شنیده نشده بود، اعلام کرد که پارلمان کویت را منحل کرده است و به محض تأمین ثبات، انتخابات برگزار خواهد کرد.

تشنج میان عراق و کویت در ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیر) آغاز شد. صدام حسین در آن تاریخ، کویت را متهم کرد با پیشروی در خاک عراق، دست به دزدی نفت عراق زده است. دیکتاتور عراق همچنین دست به حملات شدیدی به کویت و امارات متحده عربی به علت تخلف این دو کشور از نظام سمیه بندی اوپک زده بود.

چشم انداز توافق با این کشور در مذاکرات صلح را خدشه دار نکند. در مجموع، اعلامیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی نسبت به روال معمولی موضعگیری رژیم ایران، هوشیارانه تر است.

اتحاد شوروی، که تا به حال تأمین کننده عمده اسلحه عراق بوده است، پس از تجاوز عراق به کویت تصمیم گرفت تحویل سلاح به عراق را متوقف کند. ایالات متحده و چند دولت غربی دیگر اعلام کردند دارایی های عراق را در کشورهای خود بلوکه خواهند کرد و علیه عراق مجازات اعمال خواهند نمود. آمریکا همچنین ورود نفت عراق را ممنوع کرد.

دولت بوش علاوه بر دارایی های عراق، اموال دولت کویت در آمریکا را نیز ضبط کرده است تا به دست دولت طرفدار عراق در کویت نیفتد. جرج بوش در واکنش نسبت به تجاوز عراق گفت: "در جهان امروز، جایی

برای چنین تجاوز هیرانی وجود ندارد."

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا برای هماهنگ کردن موضع ایالات متحده و شوروی، روز جمعه سوم اوت هازم مسکو شد. رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده است که احتمالاً مناسبات دیپلماتیک با عراق را قطع خواهد کرد.

موشه آرنز وزیر دفاع اسرائیل اعلام کرد کشورش انتظار دارد عراق دست به تجاوزهای دیگر نیز بزند، و از این رو اسرائیل آماده مقابله با عراق است.

موضعگیری چین نسبت به عراق ملایم بود. دولت چین اعلام کرد هم عراق و هم کویت را دوستان خود می داند، و افزود: "میان کشورهای جهان سوم، هیچ اختلاف بنیادین منافع وجود ندارد، و بنابراین هیچ یک نباید علیه دیگری به اسلحه متوسل شود."

خطر مداخله آمریکا

ناو هواپیما بر آمریکایی "ایندیندنس" برای تقویت حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس، هازم این منطقه شد. جرج بوش رئیس جمهور آمریکا اعلام کرده است که علیه عراق دست به هر اقدام ممکن خواهد زد. بوش گفت فعلا طرح نظامی علیه عراق ندارد اما افزود: "اگر هم داشتیم درباره آن چیزی نمی گفتم."

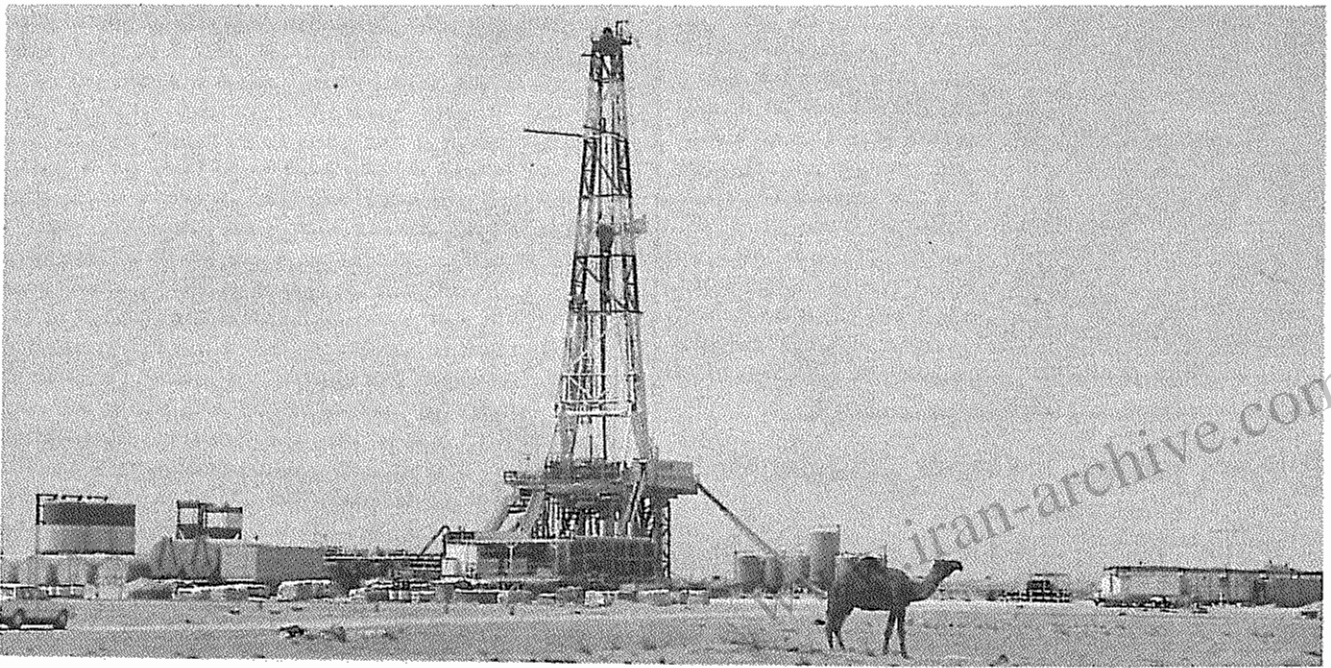
آمریکایی خواهد برای دفاع از "منافع حیاتی" خود در خلیج فارس دست به "هر اقدام ضروری" بزند. ناو هواپیما بر "ایندیندنس" مدتی است در اقیانوس هند است و اکنون به سوی خلیج فارس حرکت می کند. با این حال یک سخنگوی پنتاگون گفته است که این ناو وارد خلیج فارس نخواهد شد. مقامات آمریکایی میگویند اکنون ایالات متحده با یک عمل انجام شده روبرو است و کار زیادی نمی تواند انجام دهد.

افزایش

قیمت نفت

به دنبال حمله عراق به کویت، قیمت نفت در حدود ۳ دلار افزایش یافت و در بازار اروپا به بشکه ای ۲۳ دلار رسید. ناظران پیش بینی می کنند بهای نفت به بشکه ای ۲۵ دلار و بیشتر خواهد رسید. نرخ دلار آمریکا بین یک تا دو درصد افزایش یافت زیرا در بازار جهانی نفت با دلار پرداخت میشود و خریداران نفت برای پرداخت بهای نفت باید دلار تهیه کنند.

مجموع ذخایر نفتی عراق و کویت، که اینک تحت کنترل رژیم صدام حسین است، حدود ۲۰ درصد کل ذخایر شناخته شده نفت جهان را تشکیل می دهد. مجموع استخراج این دو کشور، ۲۵ درصد تولید نفت در منطقه است.



وخامت روز افزون وضع مسکن

و اگذار شود.

تنها اخیراً تعدادی از نمایندگان مجلس لایحه ای به مجلس پیشنهاد کردند که پیش بینی من کند دولت به تعیین قیمت خانه و زمین برای هر منطقه پردازد و معاملات بر حسب این قیمت ها انجام گیرد. همچنین طرح دیگری از سوی گروهی از نمایندگان مجلس ارائه شده است که پیش بینی می کند واحدهای مسکونی افرادی که بیش از دو واحد مسکونی در اختیار دارند با قیمت تعیین شده از طرف خود دولت، توسط دولت خریداری و به افراد فاقد مسکن

می گویند تا چند ماه پیش فقط قیمت خانه و اجاره بها "دلاری" نبود که این هم شد. طرف یک سال گذشته، قیمت خانه و آپارتمان و نرخ های اجاره، به ویژه در تهران به طور سرسام آور بالا رفته است. در حالی که گزایه ماهانه یک آپارتمان دواتاقه در یک محله متوسط نشین تهران تا حدود یک سال پیش در حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان بود، اکنون اجاره چنین واحد مسکونی از ۲۰ هزار تومان در ماه تجاوز کرده است. قیمت زمین در تهران، بسته به محل آن، از ۲۰ تا ۶۰ هزار تومان برای هر متر مربع است. آپارتمان نوساز، بطور متوسط متر مربعی ۵۰ هزار تومان معامله می شود. مصالح ساختمانی به شدت گران شده است و بسیاری که در سال گذشته همیات ساختمانی را آغاز کردند، اکنون در مضیقه مصالح ناچار به توقف آن شده اند. دولت تاکنون هیچ طرح و برنامه ای برای کاستن از وخامت اوضاع مسکن ارائه نداده است.

پیرامون اجلاس اخیر

اوپک

- (بر حسب یک هزار بشکه در روز):
- ۱۹۴۵ - ونزوئلا
- ۱۵۰۰ - امارات
- ۸۲۷ - الجزایر
- ۲۷۳ - اکوادور
- ۱۹۷ - گابن
- ۱۳۷۴ - اندونزی
- ۳۱۴۰ - ایران
- ۳۱۴۰ - عراق
- ۱۵۰۰ - کویت
- ۱۲۳۳ - لیبی
- ۱۶۱۱ - نیجریه
- ۳۷۱ - قطر
- ۵۳۸۰ - عربستان

بقیعه از صنم اول

می کنند. این گروه های ناظر بر تولید به ترتیب شامل هفت و شش عضو هستند. اعضای گروه نخست عبارتند از الجزایر، اکوادور، اندونزی، عراق، نیجریه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. گروه دوم شامل گابن، ایران، کویت، لیبی، قطر و ونزوئلاست.

سمیه تولید هریک از اعضای اوپک از این قرار خواهد بود

کمک های مالی رسیده از آلمان فدرال

کمک به کنگره مونسر ۲۰۰۰ مارک
کمک به کنگره ووپرتال ۲۰۰۰ مارک

ادامه موضع گیری های خوش بینانه

در مورد صلح میان ایران و عراق

مواضع مشترک دو کشور در اوپک تأکید کرد: "ما حاضریم، عراقی ها، لیبی و الجزایر حاضرند همدستی کنند و بگویند که ما نفت را کمتر از ۳۰ دلار نمی دهیم... آنها (عرب) از حربه تفرقه و دعوا و درگیری های ما استفاده می کنند و یک کمی بین ما و عراقی ها که آن روز شروع کردیم به حرف زدن و نامه نوشتن و در یک جهت حرکت کردیم شما می بینید که چه حرکت بزرگی اتفاق افتاد و نفت ۱۳ و ۱۴ دلار در همین چند روز به ۲۰ دلار رسید."

در تشنج میان عراق و کویت، جمهوری اسلامی سکوت اختیار کرد اما نزدیکی مواضع ایران و عراق در اوپک نشان داد که گرایش جمهوری اسلامی بیشتر به حمایت از عراق است.

هم زمان با این پدیده های مثبت، مقامات جمهوری اسلامی تأکید می کنند که در مورد نیروهای مسلح کماکان تصادادامه سیاست دوره جنگ را دارند. رفسنجانی در سخنرانی خود در مجلس خبرگان تأکید کرد "باید بنیه نظامی کشور همچنان تقویت شود." همچنین حجت الاسلام رازینی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد: "با توجه به سیاست کلی ستاد فرماندهی کل قوا، در مورد فراریان زمان جنگ هیچ گونه انقضای نخواهد شد... برقراری صلح هیچ گونه تأثیری در جرائم فراریان زمان جنگ نخواهد داشت و با فراریان و محکومین برخورد خواهد شد."

آنچه ولایتی به عنوان نکات مورد توافق وزرای خارجه دو کشور طی مذاکرات اخیرشان در ژنو بر شمرده شده است، از تفاهم هایی در باره نحوه پیشبرد مذاکرات در آینده فراتر نمی رود. علیرقم این عوامل محدود کننده امیدواری ها، انتظار می رود که جو مساعد موجود به پایان دادن به حالت نه جنگ و نه صلح فعلی، کمک کند.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی طی نطقی در قم در مورد روند مذاکرات ایران و عراق گفت: "با ارسال پیام هایی بین روسای جمهوری دو کشور اینک مذاکرات در فضایی صمیمانه و در راستای تفاهم و اتفاق نظر نسبی پیش می رود." وی افزود: "در آخرین نشست وزرای امور خارجه دو کشور در ژنو طرفین حول سه محور حرکت در چارچوب قطعنامه، نظارت دبیر کل و نیز ارزیابی مثبت طرفین از سفر آینده آقای خاویز پرز دو کوئیار به توافق و تفاهم رسیدند."

وزیر خارجه دولت رفسنجانی خاطر نشان کرد جمهوری اسلامی "از هرگونه ابراز حسن نیت مسئولین عراقی استقبال می کند و به آن پاسخ مثبت می دهد." ولایتی در همین حال تأکید کرد که دولت ایران تاکنون از هیچ یک از بندهای قطعنامه ۵۹۸ و مفاد قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره عدول نکرده است. همانطور که در شماره ۳۱۲ نشریه گزارش دادیم، رفسنجانی نیز در روز ۲۵ تیر در نطقی در مجلس خبرگان موضعی خوش بینانه در مورد آینده مذاکرات صلح اتخاذ کرد. وی گفت: "مجموعاً مذاکرات مفید بوده است و انتظار می رود دو کشور به طرف صلح حرکت کنند و قرائن نشان می دهد عراقی ها نسبت به گذشته در مورد صلح مثبت تر برخورد می کنند. هم اکنون هم سفرای دو کشور در ژنو در حال مذاکره هستند و نظرات در محدوده قرارداد الجزایر به یکدیگر نزدیک شده است." رفسنجانی افزود: "حرکت به طرف صلح در منطقه تأثیر خوبی گذاشته است که تحول در قیمت نفت و ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای منطقه خلیج فارس از نتایج این حرکت است."

پیگرد طرفداران منتظری

حجت الاسلام رازینی حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت طی سفری به مشهد اعلام کرد: "تحرکات بقایای باند مهدی هاشمی تحت کنترل وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی قرار دارد که در صورت مشاهده هرگونه اعمال ضدانقلابی از سوی این افراد با آنها برخورد خواهد شد." رازینی افزود: "از بقایای باند مهدی هاشمی افرادی هستند تحت کنترل می‌باشد." (کیهان ۳۱ تیر)

حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت" تاکید کرد که اگر خمینی در زمان حیات خود دستور سرکوب گروه مهدی هاشمی را نداده بود، "جریان به حدی قوی بود که... پس از رحلتشان امکان مقابله با این باند وجود نداشت." این اظهارات، اشاره‌ای به روابط گروه مهدی هاشمی با منتظری و حمایت منتظری از این گروه است. از سخنان رازینی چنین برمی‌آید که هنوز سدهای از طرفداران منتظری به فعالیت‌هایی دست می‌زنند. رازینی در حقیقت با قلمداد کردن آنها به عنوان "بقایای باند مهدی هاشمی" دست به تعدید طرفداران منتظری زده است.

رئیس مجلس خبرگان در مورد تغییر مرجع صلاحیت نامزدهای این مجلس گفت: "این به چند دلیل انجام شد یکی اینکه اساتیدی که در قم بودند در محظور اخلاقی شدیدی قرار داشتند و احیانا افرادی را که نمی‌خواستند، در محظور قرار گرفته و تایید می‌کردند. دوم اینکه برخی از اساتید بزرگ حوزه فاندیک سری بینش‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند و از آنجا که افراد کاندیدا باید جدای از مراتب فضل، آشنایی به سیاست و مدیریت اجتماعی داشته باشند لذا در تایید افراد دچار اشتباهاتی می‌شدند."

مهمترین نکته مورد مخالفت جناح محتشمی در مصوبات خبرگان، سپردن تایید نامزدها به شورای نگهبان بود. محتشمی در نطق خود در مجلس شورای اسلامی، این امر را "خواه ناخواه دخالت تفکر خاص" دانست و افزود با این کار، "مجلس خبرگان به نماینده تفکر خاص تنزل می‌یابد." محتشمی گفت: "امام صراحتا نسبت به دو جناح معتقد به حفظ تعادل هستند و به هر دو تذکرات تلخ و شیرین می‌دهند تا این تعادل حفظ شود در حالی که امروزه پایه‌گذاری یک جناحی شدن خبرگان دارد گذشته می‌شود و این تضعیف خبرگان و خطری بزرگ است."

محتشمی همچنین تغییر محل اجلاس خبرگان را "خلاف آئین نامه و قوانین موجود خبرگان و خلاف نظر مقام معظم رهبری" دانست. در این مورد، بعدا مشکینی پاسخ داد که در آئین نامه قبلی مورد تایید خمینی، تغییر محل اجلاس در صورت "هدم امکان" تشکیل آن در قم، پیش‌بینی شده بود. همچنین خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول محمدی گلپایگانی مسئول دفتر خامنه‌ای نوشت محل جدید اجلاس مورد موافقت خامنه‌ای بوده است: "مگر می‌شود چنین جلسه با عظمتی در کنار بیت ایشان بدون اجازه معظم‌اله تشکیل شده باشد؟"

نطق پیش از دستور ۲۷ تیر محتشمی، واکنش تند طرفداران شورای نگهبان و به ویژه روزنامه رسالت را برانگیخت. از آنجا که برای نخستین بار، یک نماینده مجلس شورای اسلامی در یک نطق هتلی، مجلس خبرگان را مورد حمله قرار میداد، روزنامه رسالت متقابلا لحن بسیار تندی علیه محتشمی به کار برد. از جمله محتشمی متهم شد که دشمنان جمهوری اسلامی را شاد کرده است. در روزنامه رسالت شماره ۲۸ تیرماه، طی یک مطلب تحت عنوان طنز، از قول یک فرد فرضی مخالف جمهوری اسلامی نوشته شد که محتشمی، "نماینده رادیکال و ضدامپریالیست تهران در نطق قبل از دستور خود... جمهوری اسلامی را له کرد، در مقابل رهبر ایستاد، پدر خبرگان را درآورد، شورای نگهبان را دود کرد."

موحدی کرمانی نماینده دیگر تهران در مجلس شورای اسلامی و صاحب‌نظران هم بتوانند به عضویت خبرگان دربیایند، لذا تصویب کردند اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد یعنی حداقل اجتهاد را دارا باشد. "جمهوری اسلامی

شکستن یک قابوی دیگر

محتشمی سخنگوی جناح تندروی حزب الله، یک "تابوی دیگر را شکسته و به مصوبات اخیر مجلس خبرگان حمله کرده است. تا به حال این مجلس مانند "رهبر" برای سیاستمداران جمهوری اسلامی در ماه‌های از "تداست" قرار داشت و تعرض به این حریم، معمول نبود. واکنش‌های تند جناح رسالت و جناح رفسنجانی در مقابل حملات محتشمی، در حقیقت واکنش نسبت به این سنت شکنی است.

نگرانی محتشمی بی‌موده نیست. اگر قرار باشد در آینده، صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس خبرگان را فقهای شورای

جوان انتخاب کرده‌اند؟ احساسات آخوندها در مورد مجلس خبرگان آینده، که تنها مسئولیت آن، تصمیم‌گیری در باره رهبری است، نشان می‌دهد که خود آنها نیز به تداوم ولایت خامنه‌ای اطمینان کامل ندارند. سخن نه بر سر مرگ طبیعی یا غیر طبیعی خامنه‌ای، بلکه بر سر سرنوشت سیاسی او است. خامنه‌ای هنوز نتوانسته است از زیر سایه سلف بیرون بیاید، او هنوز حتی یک تصمیم نگرفته است که نشان دهد واقعا "رهبر" است و کاری دیگر به جز تکرار حرف‌های خمینی از او برمی‌آید. خود آخوندها هم این را می‌دانند. جنتی جمعه ۲۹ تیر تم گفت: "این یکی از الطاف خداوند بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در زمان حیات حضرت امام انجام شد." این سخن، تأیید تلویحی این واقعیت است که خامنه‌ای، توان و اعتبار لازم برای اتخاذ چنین تصمیم مهمی ندارد. همچنین، رازینی حاکم شرع "دادگاه ویژه روحانیت" حضرت امام (ره) در رابطه با باند مهدی هاشمی قدم



اجلاس هشتم مجلس خبرگان در روزهای پایانی تیرماه در تهران برگزار شد. مشکینی، رئیس، و رفسنجانی، عضو هیئت رئیسه این مجلس، در جلو نشسته‌اند.

بسیار بلندی برداشتند چون جریان به حدی قوی بود که اگر امام در زمان حیاتشان با این مسئله برخورد نمی‌کردند پس از رحلتشان امکان مقابله با این باند وجود نداشت. "به عبارت دیگر،

جناح اندیعی چه؟" آخوند دیگری به نام مومن که او نیز به جناح رسالت نزدیک است، در مورد انتقادات محتشمی گفته است که این حملات "باید از روی غرض و مرض باشد. کسی که معترض این مسئله می‌شود معنایش این است که تشخیصی که حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) در مورد اینکه فقهی شورای نگهبان عادل و آگاه به مقتضیات امور هستند را قبول ندارد."

عطاالله مهاجرانی معاون پارلمانی رفسنجانی و نویسنده مقاله معروف "مذاکره مستقیم" نیز به نطق محتشمی حمله کرد و محتشمی را متهم به "کم‌اطلاعی و پر مدهایی" نمود.

صادق خلخالی عضو مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه‌ای به دفاع از محتشمی پرداخت. خلخالی مطلب طنزآمیز رسالت را "مسخره بازی زنده" خواند و خواهان "تادیب و تعزیر" نویسنده آن شد. وی گفت: "اگر مطالبی را که شورای نگهبان می‌گوید درست باید قبول بکنیم و حضرت امام مثلا این جور بوده... اصلا منجر به (تشکیل مجمع) تشخیص مصلحت نظام نمی‌شد." خلخالی در مورد تغییر مرجع تایید نامزدهای

حمله محتشمی به مصوبات مجلس خبرگان

بقیه از صفحه اول

خبرگان پس از انتخابات بود که طبق آئین نامه قبلی بر اساس تایید ۳ نفر از استادان بزرگ حوزه تعیین شد اما با توجه به مشکلاتی که ممکن بود به وجود آید و تجربه‌هایی که در این مورد وجود داشت، خبرگان طی مذاکرات خود ترجیح دادند که تعیین صلاحیت به عهده فقهایی شورای نگهبان باشد. "کیهان ۳۵ تیر) جنتی گفت در گذشته جایگاه کاندیداهای خبرگان در سلسله مراتب آخوندی به وضوح تعیین نشده بود، اما طبق تصمیمات اخیر، "با توجه به اینکه حساس‌ترین کار کشور در دست خبرگان قرار دارد و اعضای آن باید از قدرت تشخیص کافی برخوردار باشند، در این جلسه شرط حد اجتهاد برای خبرگان مقرر شد."

مشکینی در این مورد گفت: "در آئین نامه قبلی آمده است آن کسی که انتخاب میشود باید آشنایی کامل به مباحث اجتهاد و سابقه تحصیل در حوزه‌های بزرگ علمیه داشته باشد. آشنایی کامل به مبانی اجتهاد، یعنی اجتهاد مطلق و این تقصی بود در آئین نامه که باید می‌رفتیم فقط سراغ مجتهدهای بزرگ که بسیار اندک هستند و این کار شدنی نبود. لذا خبرگان تصویب کردند که در این شرط تخفیفی داده شود و راهی گشوده گردد که برخی بزرگان و صاحب‌نظران هم بتوانند به عضویت خبرگان دربیایند، لذا تصویب کردند اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد یعنی حداقل اجتهاد را دارا باشد." (جمهوری اسلامی

خمینی در اواخر عمر خود، همه کارهایی را که مهم تشخیص می‌داد، یعنی برقراری صلح، کشتار زندانیان سیاسی، هزل منتظری و قلع و قمع طرفدارانش را انجام داد زیرا می‌دانست که جانشینش از عهده این کارها بر نخواهد آمد.

با "رهبر" ضعیفی مانند خامنه‌ای، طبیعی است که آخوندها در مورد آنچه در آینده پیش خواهد آمد، اطمینان کامل نداشته باشند و بگویند که به اکنون، مواضعی اشغال کنند که به آنها بیشترین میزان از تاثیرگذاری بر دوران پس از خامنه‌ای را هم بدهد.

در مورد مجلس خبرگان، برگهای برنده در دست جناح حزب اللهی‌های خط امامی مانند محتشمی نخواهد بود. آنها بیشتر در میان آخوندهای جوان‌تر و حزب اللهی‌های غیرآخوند طرفدار دارند تا در بین "مجتهدین". سپردن تشخیص "مجتهد" بودن نامزدهای خبرگان به شورای نگهبان، کار محتشمی و یارانش را دشوارتر می‌کند. هر چند مشکینی رئیس مجلس خبرگان کوشیده است به امثال محتشمی دل‌داری بدهد که مادایره شمول شرط "صلاحیت" را برای نمایندگی در مجلس خبرگان گستره‌تر کرده‌ایم، اما به نظر می‌رسد سخن جنتی مبنی بر اینکه با تصریح بیشتر در مورد شرط "اجتهاد"، سدهای ورود به مجلس خبرگان فیرقابل عبورتر شده‌اند، به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

خامنه‌ای و رفسنجانی هر دو تلویحا حملات محتشمی را محکوم کرده‌اند. دفتر خامنه‌ای ادعای محتشمی را دایر بر اینکه خامنه‌ای با تغییر محل اجلاس خبرگان مخالف بوده است، رد کرد و رفسنجانی نیز که خود حضور فعال در مجلس خبرگان داشت، بار دیگر از طریق معاون جنجالی خود، مهاجرانی، سخنان محتشمی را مورد حمله قرار داد. ظاهر محتشمی بازنده این دوران شمشک‌ها بود. قطعیت دادن به این ارزیابی را باید به زمانی موکول کرد که ترکیب مجلس خبرگان جدید مشخص شود.

وقتی خلخالی مصاحبه می‌کند

روزنامه کیهان، در شماره ۳۱ تیر، نصف یکی از مهمترین صفحات خود را به افاضات خلخالی در دفاع از محتشمی و علیه جناح رسالت و مهاجرانی معاون رفسنجانی اختصاص داده است. نگاهی به بخشهایی از این مصاحبه خالی از لطف نیست.

در دفاع از محتشمی: "مقرر شده بود که اگر امام یک مطلبی را فرمودند فقط از طریق حاج احمدآقا ابلاغ بشود به آقای محتشمی و ایشان هم به نماینده یا ارگانهای دیگر بگویند... حالا این امین مسئولیت او بیشتر شد آمد و از طرف جمهوری اسلامی ایران سفیر بود در شام (یعنی سوریه - اکثریت) تنها سفیر در شام نبود بلکه تمام آن منطقه را ایشان بررسی و گزارش می‌دادند و در این راه چهار عضو خودش را از دست داده، دست راست و چپ، یک چشم و یک گوش خودش را از دست داده، خلخالی نخست از این گله می‌کند که چرا مومن، عضو فقهایی شورای نگهبان، گفته است که محتشمی "فرض و مرض" دارد: "ایشان... باید این را اثبات بکنند، چه فرضی و چه مرضی؟... فلانی به من نگاه کرد، نظرش معترضانه بود، توی این نگاهش یک مسائلی خوابیده بود، اینها استنباط است... اگر دلیل و شاهد نداشته باشد این حرف نادرستی است..." اما زیاد طول نمی‌کشد که حاج آقا از کوره در می‌رود: "اینهمه الم شکنجه درست کردن معلوم می‌شود یک جایتان درد می‌کند. آدم نمی‌داند شما چه مرضی دارید... شما مزاجا یک آدمی هستید که بارهبر هم می‌خواهید در بیافتید، کم‌اینکه در افتادید. شما ماهیت خودتان را نشان دادید."

عطاالله مهاجرانی هم از الطاف حاج آقا بی‌نصیب نمی‌ماند: "به توجه که مقاله می‌نویسی... در رابطه با آقای خزعلی در مجلس شورای اسلامی گفتی آقای خزعلی حرف پراکنی می‌کنید. موضع شما این جور بود، علیه شورای نگهبان یا علیه آقای خزعلی... حالا مدافع صد درصد شورای نگهبان شدی. آدم اینجوری می‌فهمد که شما یک طرف‌داری هستی که از هر کجا... به آسمان بیندازی چهار دست و پا به زمین می‌آید... حضرت آیت الله خامنه‌ای از خودشان مایه گذاشتند برای آبروی شما، شما هم دوباره باز جای دیگر بازی در می‌آوری."

رییس کل بانک مرکزی :

ظرف پنج سال ۱۷۵ میلیارد دلار وام می گیریم

دشمنی تراشی کرد. (کیهان ۲ مرداد)

اقتصادی کشورهای نیازمند به وام ارائه می گردد در چند دهه اخیر توانسته اند غالب کشورهای را که از این پیشنهاد استقبال کرده اند به دام سرمایه داری جهانی گرفتار نمایند. (کیهان ۲۷ تیر)

پس از حملات محتشمی به سیاست دولت، خود رفسنجانی نیز بدون ذکر نام محتشمی چندین بار ضمن حمله متقابل به او، از مشی کابینه خود دفاع کرد. وی فردای تعلق محتشمی گفت: «یکی از رذالت های استکبار جهانی در باره امام این است که به گونه ای القا کند که تفکر، زندگی و مشی امام مستلزم فقر، عقب ماندگی و خرابی است... در کشور ما همه آدم های نادان، یا خیلی نادان و یا خیلی رند، و پیرانه ای می خواهند تا جغدگونه ناله کنند و اسم این را «روح» می گذارند. (کیهان ۲۸ تیر)

چند روز بعد، رفسنجانی در ملاقات با ائمه جمعه استان تهران اظهار داشت: «چپگرایی می خواهند که کشور به صورت افراطی ترین کشورهای کمونیستی اداره شود و متاسفانه هدهای از بچه های خوب و خالص مسلمان... فریب این جریان ها را می خورند... اسلام بیچوختت نخواست است که مردم در تنگنا زندگی کنند و اگر کسانی می گویند که مردم با فقر و جمل و مرض می سازند سخن به درستی نگفته اند... مبنای سیاست خارجی ما دشمن تراشی نیست، زیرا دنیای امروز همانند ادوار قاجاریه و پانزده نیست و عصر امروز عصر مجامع بین المللی و ارتباطات است و اگر ما ارتباطات خود را قطع کنیم، نمی توانیم زندگی کنیم و نباید بی جهت

اقتصادی کشورهای نیازمند به وام ارائه می گردد در چند دهه اخیر توانسته اند غالب کشورهای را که از این پیشنهاد استقبال کرده اند به دام سرمایه داری جهانی گرفتار نمایند. (کیهان ۲۷ تیر)

پس از حملات محتشمی به سیاست دولت، خود رفسنجانی نیز بدون ذکر نام محتشمی چندین بار ضمن حمله متقابل به او، از مشی کابینه خود دفاع کرد. وی فردای تعلق محتشمی گفت: «یکی از رذالت های استکبار جهانی در باره امام این است که به گونه ای القا کند که تفکر، زندگی و مشی امام مستلزم فقر، عقب ماندگی و خرابی است... در کشور ما همه آدم های نادان، یا خیلی نادان و یا خیلی رند، و پیرانه ای می خواهند تا جغدگونه ناله کنند و اسم این را «روح» می گذارند. (کیهان ۲۸ تیر)

چند روز بعد، رفسنجانی در ملاقات با ائمه جمعه استان تهران اظهار داشت: «چپگرایی می خواهند که کشور به صورت افراطی ترین کشورهای کمونیستی اداره شود و متاسفانه هدهای از بچه های خوب و خالص مسلمان... فریب این جریان ها را می خورند... اسلام بیچوختت نخواست است که مردم در تنگنا زندگی کنند و اگر کسانی می گویند که مردم با فقر و جمل و مرض می سازند سخن به درستی نگفته اند... مبنای سیاست خارجی ما دشمن تراشی نیست، زیرا دنیای امروز همانند ادوار قاجاریه و پانزده نیست و عصر امروز عصر مجامع بین المللی و ارتباطات است و اگر ما ارتباطات خود را قطع کنیم، نمی توانیم زندگی کنیم و نباید بی جهت

بقیه از صفحه اولی

تائید کرد. وی در پاسخ به حملاتی که نمایندگان جناح تندرو و به ویژه محتشمی به نزدیک تر شدن همکاری دولت ایران با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کرده بودند، گفت: «نظراتی که صندوق برای این کشورها (کشورهای عضو که مایل به گرفتن وام هستند) می دهد برای این است که این کشورها توانا بکند تا پولی که می دهد بازپرداخت کنند، نظر سیاسی نمی دهد. (همه نقل قول ها از کیهان ۳ مرداد)

هلی اکبر محتشمی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۷ تیر این مجلس گفته بود: «اقتصاد ایران از نیمه دوم سال گذشته وارد مرحله جدیدی گشته، میانجی گری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای ایجاد زمینه استقبال از سرمایه داری جهانی و سردمداران آنها یعنی آمریکا و اروپای غربی برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال گذشته صورت گرفته است. این دو نهاد بین المللی از ابتدای تاسیس رسالتی جز انتقال پیامهای سرمایه داری غرب به کشورهای جهان سوم رانداشته اند. به عنوان مثال کارشناسان آنان در بررسی اخیر خود از اقتصاد ایران پیشنهادها و ثبوتی چون کاهش ارزش پول داخلی، حذف سوبسید، واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی، آزاد نمودن تجارت خارجی، آزادی ورود شرکت های چندملیتی و خارجی برای سرمایه گذاری در داخل کشور را برای ایران نیز ارائه نموده اند. این پیشنهادها که برای سرمایه داری نمودن سیستم

در خاشیه بحث های ایزامون و امه های خارجی

باید وام گرفت یا نه؟

ارزی کشور پس از کسر شدن هزینه های سنگین تسلیحاتی می ماند، توسط سرمایه دارانی که با مقامات دولتی زد و بند دارند، حیف و میل می شود. اگر گاه به گاه گوشه هایی از دزدی ها بر ملا شود، فقط در چارچوب رقابت های جناحی است. قاعده این است که آخوندها و اهوان و انصارشان با اتکا به حکومت سر نیزه، هر چقدر بتوانند بدزدند و ببرند، هیچ حساب و کتابی نیست. چنین رژیمی، به دلارهای صندوق بین المللی پول همان بلایی را خواهد آورد که حکومت های فاسد در آمریکای لاتین و آفریقا آورده اند. وام و اعتبارات بین المللی، در چاه ویلی سرازیر خواهد شد که تا استبداد هست، باقی خواهد بود.

صندوق بین المللی و بانک جهانی، در گذشته برای دادن وام و اعتبار به کشورهای صرافیه تعیین شرایط اقتصادی مانند تقویت بخش خصوصی، حذف کسر بودجه و غیره اکتفا می کرد. اگر چنین شرایطی از سوی رژیم می مانند حکومت پینوشه هم برآورده می شد، سرکوبگری چنین حکومتی نه تنها مانعی در دادن وام به آن به حساب نمی آمد، بلکه وجود دیکتاتوری در این کشورها خود یک «عامل مثبت» محسوب می شد که طبق محاسبه قرب، بازپرداخت وام ها محتمل تر می کرد.

اما دیگر این حسابها درست از کار در نمی آید. در همه جای دنیا دیکتاتوری یعنی فساد دولتی، یعنی رشوه خواری، یعنی اختلاس و زد و بند.

به ویژه در ایران ما، امر دمکراسی با امر رشد اقتصادی به دلایل بسیار گره خورده است، از جمله به این دلیل که تا این رژیم خودکامه وجود دارد، در جامعه اعتماد لازم برای کار و فعالیت شربخش، از جمله کار و فعالیت شربخش اقتصادی، به وجود نخواهد آمد و صداهای نافر نیروی متخصص و کارآمد ایرانی از هرگونه دلگرمی برای خدمت به کشور محروم خواهند ماند.

لازم است این امر را به یاد داشته باشیم تا دچار این توهم نشویم که اگر هم رفسنجانی و کابینه اش در گرفتن وام از خارج موفق شوند، این مبالغ تغییر چشمگیری در وضع زندگی مردم خواهد داد. به همان نسبت که حکومت جنایت و جمل تداوم یابد، عواملی که از شربخش کیمهای خارجی می کاهند و آنها را در آینده به قیدهای اسارت آور تبدیل می کنند، به جای خود باقی خواهند بود.

اکثر کشورهای متحد آن، چه در اروپا و چه در جهان سوم، تا همین چند سال پیش در برابر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، موضع مخالفت و تحریم داشتند. وقتی مجارستان در اوایل دهه ۸۰ تصمصم گرفت به عضویت بانک جهانی درآید، این تصمصم با مخالفت های هلنی و شدید شوروی، آلمان شرقی و سایرین روبرو شد.

اما اکنون چهره جهان تغییر کرده است. دیگر کمتر کشوری است که مایل به همکاری نزدیک با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نباشد. سابقه این موسسات در تحمیل سیاست های افراطی محافظه کارانه به کشورهای جهان سوم، ظاهرا دیگر کسی را از کمک خواستن از آنها باز نمی دارد.

در مورد ایران، حساب روشنی وجود دارد: درآمد ارزی کشور ما در خوش بینانه ترین پیش بینی ها معادل ۲۰ میلیارد دلار در سال برآورد می شود. تنها بازسازی خرابی های مناطق جنگ زده، به دهها میلیارد دلار بودجه ارزی نیاز دارد. باتوجه به اینکه هر سال بخش بزرگی از درآمد ارزی ایران صرف واردات مواد غذایی و سایر کالاهای مورد نیاز جاری می شود، چیز زیادی برای اختصاص به بازسازی پس از جنگ نمی ماند. در این شرایط هدم گرفتن وام خارجی به معنای طولانی تر کردن باز هم بیشتر بازسازی و ریاضت کشی جنگی است که هلی رفق پایان جنگ، هنوز ادامه دارد.

اما کدام تضمین وجود دارد که آغاز گرفتن وام های کلان از قرب، برای کشور ما آغاز همان دایره تسلسلی نباشد که سالهاست گریبان دهها کشور جهان سوم را گرفته است: اخذ وام، هدم استفاده موثر و پرراندمان از آن، در نتیجه هدم توانایی بازپرداخت وام، افزوده شده بهره به اصل وام، وابسته تر شدن به منابع وام دهنده، اخذ وام هایی که دیگر صرفا برای پرداخت وام های قبلی مورد استفاده قرار می گیرند، و... به راستی کدام تضمین علیه مبتلا شدن به سرتوشت مکزیکی و نیجریه که از قضا، هر دو نیز مانند کشور ما نفت خیز هستند، وجود دارد؟

پاسخ، روشن است: تا وقتی جمهوری اسلامی هست، هیچ تضمینی!

رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت فیر دهکراتیک است که افکار همومی جامعه کنترلی بر تصمیمات آن، از جمله تصمیمات مالی و اقتصادی، ندارد. بسیاری از آخوندها، تجار بزرگ و وابستگان به دستگاه دولتی بر منابع کشور ما چنگ انداخته اند. کسی نمی تواند آنها را به مواخذه بکشد. در مجلس، مطبوعات و سایر نهادهایی که معمولا باید وظیفه کنترل حکومت را بر عهده داشته باشند، کسی نیست که بپرسد این دستگاه های هریض و طولیل سپاه و کمیته ها و وزارت اطلاعات و زندانها، که هر سال صدها میلیون دلار بودجه ارزی و صدها میلیارد ریال بودجه ریالی را می بلعند، به چه درد مردم می خورند. کسی نیست بپرسد خمینی به چه حق اموال مردم را به هادی فغاری بخشیده است. در جمهوری اسلامی، آنچه از ذخیره

اینکه باید برای تامین بخشی از هزینه های سنگین بازسازی اقتصاد پس از جنگ، از قرب وام گرفت یا نه، به یکی از موضوعات اصلی مورد اختلاف در هیات حاکمه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در یک سو، دولت رفسنجانی قرار دارد که در این مورد از حمایت جناح رسالت نیز برخوردار است، و در سوی دیگر، جناح «خط امامی»، که به آشکارترین شکل از سوی محتشمی نمایندگی می شود و اکثریت نمایندگان مجلس، فعلا از آن طرفداری می کنند. آنها مخالفت خود را با سیاست دولت رفسنجانی برای گرفتن وام از قرب هلنی کرده اند.

سخنان رئیس بانک مرکزی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هنوز از صندوق بین المللی پول درخواست وام نکرده است و از «هرجا که به سود باشد» وام خواهد گرفت، نباید چیزی بیش از یک مانور تبلیغاتی در برابر حملات تندروها تلقی شود. هادی رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی می داند که محتمل ترین منبع وام ایران، صندوق بین المللی پول خواهد بود. دولت رفسنجانی به همین منظور قصد دارد سهمیه ایران را در این صندوق افزایش دهد تا طبق مقررات صندوق بتواند از آن بیشتر وام بگیرد.

اگر هم در کنار صندوق بین المللی پول از منابع دیگر استفاده شود، این منابع خارج از چارچوب کشورهایی که تعداد آنها از شمار انگشتان دو دست تجاوز نمی کنند نخواهد بود. دولت ایران باید برای تامین مخارج بازسازی دست کمک به سوی قرب دراز کند.

اگر ما سخنانی را که امروز مقامات دولت رفسنجانی درباره ضرورت گرفتن وام از قرب به زبان می رانند، پنج سال پیش می شنیدیم، به این موضوع در قالب تیرهای درشت افشاگرانه صفحات اول نشریات خود می پرداختیم. اگر می خواستیم پنج سال پیش در این باره موضع بگیریم، احتیاج زیادی به فکر کردن نداشتیم. مسئله، روشن بود: رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، با خیانت به منافع ملی ایران، دست کمک به سوی کشورهای امپریالیستی دراز کرده است و باید این رسوایی را افشا کرد.

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، موسساتی وابسته به سازمان ملل هستند. اما برخلاف سایر سازمان های وابسته به سازمان ملل، در این موسسات اصل «هرکشور یک رای» حاکم نیست. دولت ها به تناسب سهمیه و حق عضویت خود در این موسسات اقتصادی بین المللی، در تعیین سیاست های آنها نقش دارند. از همین رو، طی دهه های گذشته، تعیین کننده ترین نیروی تصمیم گیری درباره اینکه به کدام کشورها از محل ذخایر و اعتبارات صندوق و بانک، وام و کمک داده شود، ثروتمندترین کشورهای سرمایه داری بوده اند. هر چند اخیرا نفوذ سایر کشورها در این موسسات افزایش یافته است، اما کماکان سیاست این ارگانها را بطور عمده بزرگترین کشورهای سرمایه داری تعیین می کنند.

از این رو، اتحاد شوروی و



تنگنای ارزی و چاپ بی پشتوانه اسکناس، ریل ایران را آتندر بی ارزش کرده است که در خیلی از موارد روز مره باید بسته های این چنین اسکناس را دودل کرد.

گزارش بانک مرکزی در مورد تورم

مرکزی تنها به این اکتفا کرده است که بیا فزاید شاخص های پوشاک و مسکن رشد داشته است. این رشد، در تهران گاه تا ۱۵۰ و ۱۰۰ درصد است. بهای خانه و اجاره بها ظرف یک سال گذشته به شدت افزایش یافته است.

رفسنجانی طی نطقی در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در خارج گفت: «مشکل ریالی» دولت رفع شده و از ورشکستگی کارخانجات جلوگیری به عمل آمده است. اخیرا دولت به طور متوسط هزار تومان به حقوق بازنشستگان افزوده است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش داد شاخص بهای کالاهای مصرفی در دو ماهه اول سال جاری به رقم ۳۴۵/۸ رسیده که این رقم ۴/۹ درصد بالاتر از متوسط دو ماهه اول سال قبل است. در دو ماهه اول سال ۱۳۶۸ این شاخص ۳۹/۸ درصد بالاتر از متوسط دو ماهه اول سال ۱۳۶۷ بود. به گزارش بانک مرکزی، این کاهش نرخ تورم ناشی از کاسته شدن از بهای برخی اقلام خوراکی نظیر گوشت و میوه و سبزی های تازه است. متوسط شاخص بهای خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات معادل ۸ درصد نسبت به دو ماهه اول سال ۱۳۶۸ کاهش نشان می دهد. بانک

یک سوال

یک جواب

«ما اساسا باید به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا در صحنه بین المللی حضور فعال داشته باشیم یا نه؟ من پاسخم به این سؤال این است که سؤال، سؤال فلفلی است، زیرا ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در صحنه بین المللی قرار گرفته ایم.»

هادلی رئیس بانک مرکزی در سمینار «موسسه تحقیقات پولی و بانکی» به نقل از کیهان، ۳ مرداد ۱۳۶۹

شرکت‌های چندملیتی

فراملیتی

ماورای ملیتی

خش آخر

یه از صنم‌ها آخر ند مثال هلت استفاده از این نانیسم تاحدی روشن نمود. در کانال بازرگانی و تولیدی گامهای خود یعنی از شرکتها "دختر" مستقر در دیگر کشورها خواهد که در هنگام تعیین بمت تمام شده یک کالا احتمالاً در زمینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه "شرکت مادر" شرکت کنند. وایتسوس (VAITSOS) یکی از حقیقتین اقتصادی در تحقیقات ویش متوجه شد که شرکت‌های بریکایی از "قیمت انتقالی" بق العاده استفاده میکنند. قضیه این قرار بود که کالاهای به تمام وارداتی توسط شرکت‌های ای "دختر" مستقر در کلمبیا از یگر شرکت‌های "دختر" تعلق به یک گروه از شرکت‌های "مادر" مستقر در کشوری دیگر ارای رسیده (فانتور) قیمت نافی قابل توجهی میباشند مثلاً بن اضافی قیمت در صنعت ائوچو ۴۰ درصد، در شیمی ۲۵/ درصد و در داروسازی ۱۵/ درصد بودند. در ضمن باید آداور شد که هرگونه کالای نیمه مام وارداتی در کلمبیا از رداخت حق گمرکی معاف است. مثال دیگر: قرص والیوم (VALIUM) که در سال ۱۹۶۰ ارد بازار مصرف شد، توسط برکت چندملیتی سوئیسی و فومن - لاروش (LAROCHÉ HOFFMANN) رآزمایشگاههای آن که در بریکا مستقرند تهیه گردید. ناصر اصلی یاترکیه شیمیایی بن قرص از سوئیس به کارخانه "دختر" در بریتانیا به قیمت بیلویی ۹۷۹ لیر استرلینگ صادر بد. در مراحل اولیه ترخیص، سئولین گمرکی بریتانیا اطلاعات داده شده را پذیرفتند لی بعد از چندی "کمسیون حصارات" بریتانیا اطلاعات اده شده را رد نمود و مدعی شد میتوان این مواد را از تولید نندگان ایتالیا به قیمت کیلویی ۲۱ لیر استرلینگ خرید. کمسیون فوق دستور کاهش قیمت آن را داد. اما شرکت سوئیسی مدعی شد که هزینه تحقیقات و توسعه بسیار ننگین بوده و کارخانه "دختر" اید در این هزینه دیگر هزینه‌های عملی مربوطه برکت کند. نتیجه آنکه مصرف شندگان نهابی مطابق "دمکراسی" قیمت پیشنهادی برکت "مادر" رایب "آرقت" ذیرفتند. یک لحظه در نظر گیرید که در جهان سوم در نوب "کمسیون حصارات" وضع بگونه خواهد بود. مثال دیگر را میتوان از و ملیوتیس (ROUMELIOTIS) آورد. ۸۴ مورد واردات کالاهای یه تمام بود. یونان را مورد مطالعه قرار داد. او باین مسئله ر خورد نمود که بیش از ۵۰ درصد خش صنایع متالورژی، شیمی و ارو سازی زیر ضرب مکانیسم "قیمت انتقالی" قرار دارند و فزایش قیمت اضافی در فاکتورها یین ۵ تا ۲۳۰ درصد میباشد ولی ر عکس کالاهای تمام شده در این صنایع بترتیب ۳/۸۷، ۸/۸۷ و ۱۶/۹ کمتر از قیمت واقعی تعیین قیمت میشوند. (۳)

صنایع اتومبیل سازی کامپیوتر، تلویزیون، وسایل

مخابرات و غیره را در نظر بگیرد که ممکن است چندین کارخانه تخصصی "دختر" متعلق به گروه شرکت‌های مختلف چندملیتی در ساختن نهایی یا مونتاژ آنها با هم همکاری نمایند. تولیدات این نوع شرکت‌ها بر خلاف نوع دوم فقط برای بازار محلی و منطقه ای نیست بلکه هر یک از اجزا ساخته شده میتوانند در یک کشور تولیدو در کشور دیگر مصرف شوند. علامت "ساخت" کشور ثالثی استفاده بشوند. مثلاً اجزا مختلف کامپیوتر میتوانند در کره، تایوان، هنگ کنگ، و غیره ساخته و مونتاژ بشوند و در نهایت علامت ساخت کشور ایالات متحده و یا ژاپن و غیره جهت اعتبار بخشیدن به کیفیت کالا و فروش بهتر بر روی تولیدات نصب بشود.

۴- شرکت‌های چندملیتی از نوع تکنولوژی مالی این نوع شرکت‌ها در دهه سالهای ۱۹۷۰ شروع به رشد نمودند و از نوع شرکت‌های مسلط در آینده خواهند بود. ترسیم واقعی مشخصات این شرکت‌ها تا حدی مشکل بنظر میرسد اما آنچه که از عملکرد آنها تاکنون بر میآید نشان میدهد که مرکز فعالیت آنها از کنترل مستقیم امور تولیدی فاصله میگیرد و بیشتر به عرضه خدمات و تحقیقات علمی پیشرفته معطوف می شود. بعبارات دیگر آنها عرضه تولید را (شاید بخاطر جلوگیری از آلودگی محیط زیست) به جهان سوم انتقال می دهند. به این ترتیب شرکت‌های اخیر هم به نوبه خود به مرحله "چندملیتی" پامیگذارند. بنابراین شرکت‌های نوع چهارم تصد دارند دانش تکنولوژی، اختراعات و سایل پیشرفته، مهندسی مشاور و غیره فعالیت نمایند و همزمان با آن به تقویت نفوذ مالی و سرمایه گذاری در شبکه مالی بانکی می پردازند. در بخش خدمات تخصصی میشوند و به کمک امرمهای مالی و تکنولوژی فعالیت تولیدی بین المللی را بطور غیر مستقیم کنترل مینمایند. و احتمالاً از همین طریق است که خصوصیت ماورای مرزی را در خود می پروراندند و مدعی جهان وطنی میشوند.

بانک‌های چندملیتی در بخش مربوطه به شرکت‌های چندملیتی کم و بیش به چگونگی پیدایش و ساختار این شرکت‌ها پرداخته شد. اما بانکهای چندملیتی کمتر شناخته شده اند. بانک‌های بزرگ از سالهای ۱۹۶۵ یعنی پس از گسترش همه جانبه شرکت‌های چندملیتی شروع به بین المللی شدن نمودند. دلیل آن هم این است که این بانک‌ها به دنبال مشتریان خود روان بودند و با جهانی شدن مشتریان همه شان یعنی شرکت‌های چند ملیتی، بانک‌های بزرگ هم به نوبه خود به فعالیت بین المللی دست زدند.

دادن تعریف در چند جمله از بانک‌های چند ملیتی چندان میسر نیست ولی با پیگیری ریشه رشد و رثوس مشخصات آنها میتوان به یک تعریف نسبی و درک عمومی دست یافت. همانطوریکه در مورد شرکت‌های چند ملیتی ملاحظه شد چند ملیتی شدن بانک‌ها هم یک پدیده قدیمی و در عین حال جدید است. به این معنی قدیمی که از اوایل قرن پوزدهم "بانک مالی انگلیس و فرانسه" دارای یک خصوصیت بین المللی بود و یا بانک "روچیلد" از همان ابتدای کار دارای ساختار درونی چند ملیتی بود. بانک "پاریس - هلند" (پاری - سا)، بانک "لازار" و

و غیره چندین نمایندگی در خارج داشتند. اما آنچه که تازگی دارد، پدیده جدید آن یعنی شتاب گرفتن این بانک‌ها به سمت اشکال کنونی آن به نیمه دوم ۱۹۶۰ یعنی دیرتر از شرکت‌های چند ملیتی مربوط میباشد. در مورد شرکت‌های چند ملیتی باید موجب توجه انگیزه‌هایی که در استقرار آنها در خارج شد ولی در مورد بانک‌های چند ملیتی بعلت کمبود اطلاعات بر شمردن انگیزه‌ها مشکل بنظر میرسد. با این حال میتوان سه عامل عمده را نام برد.

۱- دنبال نمودن مشتریانانشان؛ دگرگونی عمده ساختار مالی بین المللی شدن بانک‌ها را به همراه داشت. پول اکثر کشورها قابل تبدیل به دیگر پول‌ها شدند، مبادلات بازرگانی به صورت حیرت انگیزی گسترش یافتند و اصلاً خود پررنگ تولید بین المللی شد وضعیت جهان گردی گسترش و مهاجرت کارگران و سبقت یافت. بنابراین متوجه میشویم که یک بخش عمده از مشتریان بانک‌ها بین المللی شدند. شرکت‌های چند ملیتی، شرکت‌های صادراتی - وارداتی، شرکت‌های خدماتی بیش از پیش به عقد قرارداد خارجی و فعالیت در خارج از مرزهای کشوری پرداختند. در جهت سمیت دادن به اعتبارات برای صادرات و اعتبارات به مشتریان برای واردات و غیره بمنظور حمایت از گسترش بین المللی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی نوق العاده افزایش یافتند. در نتیجه نیاز مالی مشتریان بانک‌ها هم دگرگون شدند. فعالیت بانک‌ها هم دیگر نمی توانست بصورت اولیه یعنی در چارچوب عملیات ساده پس انداز، سپرده و وسیله پرداخت و اعتبار در بازارهای محلی و ملی محدود شود. بنابراین بانک‌ها مجبور شدند با جهانی شدن اقتصاد به دنبال مشتریانشان بروند و در این راستا ایجاد ساختار مالی جدید بانکی هم احساس شد.

بانک‌ها در پی پول هستند؛ گسترش نوق العاده، بازار نقدینگی بین المللی در بازار پولی اروپا بعلت کسری مزن تراز پرداخت‌های ایالات متحده و افزایش نقدینگی بعضی از کشورهای صادر کننده نفت بعلت چهار برابر شدن قیمت نفت باعث شدند که بانک‌های بزرگ به گسترش و ایجاد موسسات بانکی خود در بازارهای سنتی مالی (لندن، پاریس، توکرت، آمبورگ، بیروت) و بازارهای جدید مالی در آسیا (سنگاپور، هنگ کنگ، مانیل) در خاور میانه (بحرین) و در آمریکای لاتین (پاناما) مبادرت ورزیدند. بنابراین فرصت‌های استفاده از گردش دلار هاستلزم تقویت و استقرار بیشتر در خارج بود.

۳- اشباع بازارهای خودی و رقابت بین المللی؛ اشباع نسبی و تقریباً کامل بازارهای خودی یکی از عوامل تعیین کننده ای است که بانک‌ها را مجبور به جستجوی بسط بازار بین المللی نمودند. این حکم شامل اکثر کشورهای سرمایه داری پیشرفته صنعتی می شود بطور قطع تابع شرایط ویژه هر کشور هم بوده است. مثلاً ایالات متحده اولین کشوری بود که از نیمه دوم ۱۹۶۰ با حدت زیاد شروع به گسترش بانک‌های خود در خارج از مرزها نمود. در حالیکه این بانکها قبل از این تاریخ در خارج از مرزها تقریباً وجود نداشتند. بعلاوه باید به یک علت دیگر هم در

این مورد اشاره نمود و آن مربوط به محدودیت‌های قانونی است که طبق آن‌ها حوزه جغرافیایی فعالیت بانک در یک ایالت و بعضی از مواقع به یک شهر محدود میشود. همه اینها منجر به استقرار بانکهای بسیار فعال آمریکایی در خارج از مرزها شدند و هدف آنها هم حفظ نرخ رشد و بکار انداختن موجودیشان بود. اما شرایط در فرانسه بطور دیگری بود. تورم مزمن منجر به اتخاذ سیاست‌های پولی و کنترل آن شد و همزمان با آن تمرکز سیستم بانکی عملی شد. در سال ۶۶-۱۹۶۵ قوانینی به تصویب رسیدند که به تقسیم سنتی بازار بین بانکهای تجارته و بانک‌های سپرده پایان دادند و آزادی کامل بانک‌ها جهت تاسیس شعبات تأمین شدو در پی آن رقابت بین بانکها شدت گرفت و به خرید و فروش و شده شده بعضی از شعبات منجر گشت. در پی این رقابت درجه تمرکز بانکی افزایش یافت و تعدد استقرار شعبات بانک‌های قوی تر در مقیاس بزرگ پدید آمد که در نتیجه آن بانکهای در پی مشتریان جدید روان گشتند. (۹۰/۹۰) فرانسویها حداقل یک حساب بانکی دارند (از این پس امکانات بسط و توسعه بانکها محدود و به سمت انحصاری شدن) منجر شد و در نتیجه افزایش سهم بازار هر یک از آنها بیش از پیش مشکل شده و بازدهی آن در چارچوب مرزهای ملی کاهش یافت. با این حساب ضرورت فرار به خارج از مرزهای جغرافیایی احساس گردید.

این سمت گیری‌ها نه تنها رقابت بین بانکهای ملی هر کشور برای جلب مشتری در خارج را تشدید کرد بلکه رقابت بین بانکهای کشورهای مختلف را نیز شتاب بخشید. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که بین المللی شدن ساختارهای اقتصادی نه تنها ساختارهای اقتصادی بلکه ساختارهای صنعتی را هم در بر گرفتند. این پدیده در نهایت منجر به این شد که بعضی از شرکت‌های صنعتی چندملیتی بانکهای خودشان مبادرت ورزند. بی سبب نیست که شنیده میشود که بعضی از بانکها در فلان کارخانه سهم دارند و یا دارای بنگاههای معاملات ساختمانی هستند و یا در موسسه مالی و استه به کارخانه اتومبیل سازی که برای مشتریانش اعتبار می‌گشاید تا بتوانند اتومبیل بخرند مصویت تازند.

پدیده اخیر یعنی ادغام فعالیت صنعتی - بانکی در سالهای ۸۰ و سعت زیادی یافت و در آینده هم بیشتر وسعت و همجوشی خواهد یافت. این پدیده را به توجه بیشتر شرکت‌های چندملیتی از نوع چهارم (تکنولوژی - مالی) می‌تواند.

عمل اساسی اولیه بانکها عبارتست از میانجیگری در پرداختها. بدین مناسبت بانکها سرمایه پولی فیر فعال را به سرمایه فعال یعنی سودآور مبدل میکنند و انواع هوالد پولی را جمع آوری نموده آنرا در اختیار طبقه سرمایه دار میگذارند. بتدریج که معاملات بانکی توسعه می‌پذیرد و در دست هد قلیلی در موسسات تمرکز می‌یابد، بانکها نیز نقش ساده میانجیگری را رها کرده به صاحبان انحصار تیر قدرتی مبدل میشوند که تقریباً تمام سرمایه پولی جمیع سرمایه داران و کارفرمایان کوچک و نیز قسمت اعظمی از وسایل تولید و منابع مواد خارجی در یک کشور و در یک سلسله از کشورها را در اختیار می‌گیرند. این جریان تبدیل عده کثیری از میانجیان ساده به مشتری صاحب انحصار یکی از پرروسه‌های اساسی رشد سرمایه داری و رسیدن آن به مرحله امپریالیسم سرمایه داری است. بدین جهت تمرکز معاملات بانکی از نکاتی است که ما باید مقدم بر همه آنرا مورد ملاحظه قرار دهیم (۳)

(۳) نین - منتخب آثار - به زبان فارسی - امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری - صفحه ۴۰۱

اهمیت انرژی خورشیدی

در دنیای فردا

است و فقط احتیاج به زمان دارد و در آینده حل خواهد شد. یک محقق انرژی خورشیدی در سوئیس موفق به توسعه یک نوع سلول خورشیدی شده است که ۲۰ برابر ارزاتر از سلول‌های خورشیدی موجود در بازار می‌باشد. اگر امروز او در سوئیس موفق نشود فردا محقق دیگر در کشور دیگری موفق خواهد شد... نیمی از جمعیت جهان در دهات کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند و آنها از نعمت برق محرومند. برای دهات دور افتاده که خارج از شبکه برق سراسری می‌باشند، انرژی خورشیدی تنها راه ممکن در راه دست آوردن برق می‌باشد. انرژی خورشیدی را در موارد زیادی در کشورهای جهان سوم از جمله روشانی، شارژ کردن باتری، پمپاژ آب، ارتباطات تلفنی، ایجاد سرمایش، تهیه آب گرم برای منازل، ذخیره آب گرم، شیرین کردن آب‌های شور و بسیاری موارد دیگر می‌توان استفاده کرد.

مزایای تکنیک انرژی خورشیدی نسبت به روش‌های سنتی تولید برق چنین است: احتیاج به هیچ سوختی ندارد، مناسب با محیط زیست می‌باشد، نگهداری وسایل آن ساده است و جهت روشن شدن مسئله انرژی خورشیدی چند مثال می‌زنیم: - بیشتر از ۶۰۰۰ (شش هزار) پمپ‌های خورشیدی با نتیجه خیلی خوب تا بحال نصب گردیده‌اند. پمپ‌های مزبور هم در آبیاری و هم در امر تهیه آب آشامیدنی مشغول کار می‌باشند. - در سالهای اخیر حداقل ۲۰۰۰ یخچال‌های خورشیدی در آفریقای جنوبی کار می‌کنند تولید شده‌اند و مشغول کار می‌باشند. در یخچال‌های مزبور تولیدات داروئی مثل واکسن و امثالهم نگهداری می‌شود. - در سراسر دنیا ده‌ها هزار لامپ روشن می‌شوند که بوسیله انرژی خورشیدی تغذیه می‌شوند، این نوع روشنایی هم در خانه و هم در مکان‌های عمومی مانند مدارس و بیمارستان‌ها استفاده می‌گردد. گامیابی یکی از کشورهای آفریقای جنوبی که از مزایای انرژی خورشیدی استفاده می‌کنند، آقای عمر صلاح مرکز انرژی گامبیا چنین می‌گوید: - دریافت رابطه "خورشید - برق" یک مسئله مرگ و زندگی است. ما هر چه می‌گذرد بیشتر به خورشید می‌شویم که با کمک خورشید می‌توانیم بطور رادیکال وضعیت پمپاژ آب، وضعیت بهداشتی، ارتباطات تلفنی و آموزش را بهتر نمائیم. گامبیا یکی از کشورهای غرب آفریقا است که از بازار مشترک کمکی جهت مبارزه با گسترش کویر و صحراها دریافت کرده است. ۵۵ روستا، پمپ‌های خورشیدی دریافت کرده‌اند تا بتوانند آبیاری را بهتر کنند. بازار مشترک توسط بنیاد تحقیقات دیگرو وجود داشته باشد. او اشاره می‌کند که هزینه چنین ایستگاه انرژی خورشیدی ۱/۳ هزینه یک ایستگاه انرژی اتمی می‌باشد. تابحال تولید برق توسط انرژی خورشیدی گران بوده است ولی حال این مشکل قابل حل

ترجمه از سهیل مرادی - سوئد

سوسیالیسم مرد، زنده باد سوسیالیسم

مزدک

جهان ما در سال‌های اخیر دستخوش تحولات شگرفی بود. رخدادهای طوفانی در اردوگاه سوسیالیستی، بیان صافه معیارهای دیرپا را در هم شکست و پریشانی اذهان بسیاری از رهبران جنبش کمونیستی را به همراه آورد. بویژه جنبش چپ ایران، که در نیم قرن گذشته بر اثر شکست‌های متوالی ضربه پذیر شده بود، در برخورد به تحولات مذکور سراسمی و خودباختگی از خود نشان داده است. تغییرات ۱۸۰ درجه‌ای در مواضع، بدون تحلیل علمی و برخورد تاریخی به فرایندهای موجود، گواه این مدعاست. مقاله حاضر تلاشی است جهت ریشه‌یابی ناسامانی‌ها و کجروی‌هایی که به هنگام آزمایش ساختمان جامعه نوین رخ نمود و به دید آمدن سیستم اداری - فرماندهی و از خود بیگانگی انسان مولد در دوران استالین منجر شد و با شدت ضعفی تا دوران کنونی در کشورهای سوسیالیستی امتداد یافت.

تجربا تجزیه و تحلیل روابط پایه‌ای اجتماعی که در دوران گذار انقلابی پس از اکثریت در اتحاد شوروی شکل گرفت می‌توان شرایط پیدایش ناهنجاری‌ها را در این جوامع بررسی نمود. از آنجایی که این دوران گذار انقلابی، ساختمان جامعه سوسیالیستی بر پایه مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید را هدف خود قرار داده بود باید این جوامع را از زاویه کنکاش جامعه‌شناسانه دیکتاتوری پرولتاریا مورد پژوهش قرار داد و با معیارهایی سنجید که مارکس و انگلس برای این مرحله از فرایند انقلابی قائل بودند.

هلاکه بر این باید از نقطه نظر تاریخی به موضوع برخورد کرد. «استالینیزم» محصول یک جامعه معین در مرحله معینی از تکامل خود است. بنابراین بدون بررسی شرایط مشخص اجتماعی نمی‌توان به یک ارزیابی علمی دست یافت. «استالینیزم» به لحاظ تاریخی «ضرورت» و غیر قابل اجتناب نبود. فرایند تاریخی، یک روند مکانیکی نیست و همواره اکثر تالیف‌های اجتماعی - سیاسی نیز موجودند. اما از سوی دیگر نمیتوان «استالینیزم» را یک تصادف قلمداد کرد، بلکه آن را نتیجه عوامل مشخص تاریخی محسوب نمود.

از نقطه نظر تئوریک «استالینیزم» یک سیستم فکری ویژه‌ای نبوده است. دوران استالینیزم چیزی بر آموزش‌های مارکس، انگلس و لنین نیافزود هر چند روح این آموزش‌ها را از محتوا تمی کرده بصورت آیه‌های مقدسی تفسیر نموده و آنها را به شکل دکم در آورد. فقط آنجایی که شرایط راه دیگری باقی نمی‌گذاشته، این آموزش‌ها به نحو جدیدی دچار تفسیر می‌شدند. نظریه سوسیالیسم در یک کشور و یا مسئله زوال دولت در هنگام گذار به کمونیسم از این جمله‌اند. اما در مجموع «استالینیزم» پراتیک اجتماعی معینی است که همواره خود را بر «مارکسیسم - لنینیسم» مبتنی دانسته است.

به همین دلیل انتقاد علمی از «استالینیزم» تنها با هزیمت از تئوری مارکسیستی «دیکتاتوری پرولتاریا» قابل حصول است، یعنی با هزیمت از مقاصد، اهداف و توهمات بنیان گذران سوسیالیسم علمی. از این نظر «استالینیزم» محصول رابطه ملاحظه آموزش مارکسیستی درباره جامعه نوین و شرایط استقرار جامعه مزبور می‌باشد. البته نه بصورت تناقض میان رویا و واقعیت بلکه میان مضامین و اصولی که کلاسیک‌های مارکسیسم برای جامعه نوین پیش‌بینی می‌کردند و امکانات تاریخی جامعه شوروی برای تحقق این مضامین و اصول.

بطور کلی می‌توان سه مرحله را در چگونگی برخورد مردم با ایده سوسیالیستی مشاهده کرد. مرحله مبارزه برای سوسیالیسم قبل از انقلاب اکثر، مرحله بعد از این انقلاب در هنگامی که اولین دولت سوسیالیستی پدید آمد و بالاخره مرحله جدیدی که به تدریج پس از جنگ دوم جهانی شکل گرفت.

مرحله اول را می‌توان مرحله تحویل قلمداد کرد. البته نه به مفهوم کلاسیک کلمه «سوسیالیسم تحلیلی» که در برابر سوسیالیسم علمی قرار داده می‌شود بلکه به مفهوم تصویر جامعه آتی برای بسج توده‌ها. تا آن هنگام، در این واقعیت هیچ نمونه علمی موجود نبود که بتوان بر پایه آن اندیشه‌ها و تئوری‌های سوسیالیستی را مورد سنجش قرار داد. باید اعتراف کرد که چنین موقعیتی بسیار راحت است. کفایت فقط زبانی‌ها را با بشارت داد و آن هم معمولاً علیه بدبختی‌های جامعه سرمایه‌داری. در این مرحله حاملان اندیشه سوسیالیستی از آنجایی که خود امکانی برای تحقق آرمان‌های خود نداشتند از دایره انتقاد نیز خارج بودند. البته نه هر نوع انتقادی زیرا بودند دشمنان این اندیشه که قبل از تحقق سوسیالیسم به آن حمله می‌کردند. اما نهاد دشمنان آن بودند و انگیزه طبقاتی جهت حملات خود داشتند. اما برای بقیه و قبل از همه برای طبقه کارگر و روشنفکران مترقی، سوسیالیسم تجسم یک آرمان بود، رویای برابری، برادری و آزادی بود. سوسیالیسم علمی برای اولین بار نسبت به همه رویاهای دیرپای بشریت با ابزار و روش‌های تجزیه و تحلیل علمی برخورد کرد و این مایه جذب قلب و مغز بشریت شد.

در مرحله دوم اندیشه سوسیالیسم از آسمان به زمین آمد و نزد ماساکن شد. انقلاب اکثر اولین نمونه تاریخی تحقق پیروز مبدای سوسیالیستی است. در این انقلاب حزبی به قدرت رسید که به نام توده‌های

«دولت» هنوز ضروریست، اما این دولت یک دولت گذار است نه دولت به معنای اخص کلمه، زیرا پایین نگاه داشتن اقلیت استثمارگران به وسیله اکثریت کارگران مزدور دیروزی نسبتاً چنان کار آسان، طبیعی و ساده‌ای است که به مراتب کمتر از سرکوب قیام‌های بردگان، سرفها و کارگران مزدور خون خواه طلبید و برای بشریت به قیمت بسیار ناگزیری تمام خواهد شد. علاوه بر این دولت با گسترش دمکراسی به چنین اکثریتی قاطعی از اهالی همخوانی دارد به نحوی که ضرورت یک ماشین ویژه برای سرکوب آفتاب به محو شدن می‌کند. مسلمانان استثمارگران بدون یک ماشین بسیار پیچیده قادر به انجام وظیفه خود دال بر پایین نگاه داشتن مردم نخواهند بود اما مردم قادرند با یک «ماشین» بسیار ساده، به تقریباً بدون «ماشین»، بدون یک دستگاه ویژه... استثمارگران را پایین نگاه دارند. لنین چند سطر بعد اضافه می‌کند: «آن هنگامی که همه اعضای جامعه یا لاقط اکثریت قاطع آنها خود یاد گرفتند دولت را اداره کنند و اداره دولت را در دست گرفتند... ضرورت هر گونه حکومتی بطور کلی آفتاب به محو شدن می‌کند. هر چه دمکراسی کاملتر شود، مقتدر نیز زمان زائد شدن دولت نزدیکتر می‌گردد.»

اینها بطور کلی آن خصوصیتی بود که کلاسیک‌های مارکسیستی برای دیکتاتوری پرولتاریا قائل بودند. از نظر مارکس و انگلس انقلاب سوسیالیستی می‌بایست اولاً در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی صورت گیرد، یعنی در کشورهایی که تجمع سرمایه در یک قطب و پرولتریزه شدن در قطب دیگر از هر جای دیگر کاملتر صورت گرفته است. ثانیاً این انقلاب فکرمی توانست بطور هم‌زمان در چندین کشور رخ دهد و به این ترتیب نه انقلابی ملی بلکه انقلابی بین‌المللی می‌بود. به این ترتیب اولاً از آنجایی که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری افشار میانی جامعه به میزبان زیادی پرولتریزه می‌شوند و تجمع و تمرکز سرمایه‌ها میان نظام قدیم را به یک اقلیت ناچیز بدل می‌کند، اولین عملکرد دیکتاتوری پرولتاریا یعنی حفاظت از قدرت نوین در برابر طبقه خلع شده به تأدیر قمری گسترده‌ای نیاز نخواهد داشت. ثانیاً از آنجایی که انقلاب تقریباً به‌طور هم‌زمان در مهم‌ترین کشورهای صنعتی انجام می‌گیرد دومین عملکرد دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی دفاع از انقلاب در برابر هجوم خارجی نیز ناچیز خواهد بود. بنابراین از همان آغاز وزن همده بر انجام وظیفه مثبت این دیکتاتوری، یعنی خودتربیتی پرولتاریا و بسط دمکراسی جهت فراهم کردن زمینه خودگردانی و محو دولت، قرار خواهد داشت. به همین دلیل انگلس می‌گوید: «اولین اقدامی که در آن دولت واقعاً بنیانه‌نماینده مجموعه جامعه قدم برمی‌دارد تصاحب وسایل تولید به نام جامعه در همین حال آخرین اقدام مستعمل آن بعنوان دولت خواهد بود» (آنتی دورینگ)

همانطوریکه که تاریخ نشان داد انتظارات فوق برآورده نشدند و دیکتاتوری پرولتاریا نتوانست به شکلی که مارکس، انگلس و لنین تا سال ۱۹۱۷ تصور می‌کردند متحقق گردد. انقلاب روسیه در دو زمینه با انتظارات بنیانگذاران سوسیالیسم علمی در تناقض قرار گرفت. این انقلاب نه در یک کشور پیشرفته بلکه در یک کشور عقب‌مانده صورت گرفت. علاوه بر انقلاب روسیه تنها ماند. میدانیم که لنین چندین بار بعد از انقلاب اکثر امید داشت سایر کشورها (قبل از همه آلمان) نیز به انقلاب بپیوندند. او در سال ۱۹۱۷ می‌نویسد: «گذار تدریج دولتی به پرولتاریا... آغاز در هم شکستن جمیع منافع سرمایه در مقیاس جهانی خواهد بود...» (وظایف پرولتاریا در انقلاب ما) او در کتاب چپ‌روی، بیماری کودکی در کمونیسم نوشت که پس از انقلاب پرولتری در یک یا چند کشور پیشرفته دیگر روسیه از نقطه نظر سوسیالیستی نه یک کشور نمونه بلکه دوباره یک کشور عقب‌مانده خواهد بود. او در جای دیگری موقفیت انقلاب در روسیه را به بسط انقلاب در سایر کشورها منوط می‌کند. درست همین انتظارات بودند که آنتی‌ناسیونل سوم را پدید آوردند. اما هنگامی که دودباروت جنگ قیام‌ها و جنگ داخلی در اروپا محو شد روشن شد که قدرت شوروی باید تحت شرایطی تحکیم یابد که از انتظارات کلاسیک‌های مارکسیسم بسیار بدور بود. آنچه به‌انزوی جهانی دولت شوروی، از اولین روز پیدایش این دولت، و از هنگام مداخله نظامی قدرت‌های خارجی در جنگ داخلی روسیه رهبران شوروی خود را در برابر نبرد جان فرسای «کپ‌برک» یافتند. لنین این نبرد را چنین تصویر کرد: «یا آنکه نابود می‌شویم و یا کشورهایی پیشرفته را به لحاظ اقتصادی نیز پشت سر می‌گذاریم... یا نابودی یا تمام قوا به پیش. تاریخ مسئله را چنین در برابر ما قرار داده است» (خطرات فلاکت و چگونگی مبارزه با آن) به این ترتیب نظام سوسیالیستی نه به دنبال نظام سرمایه‌داری بلکه در همزیستی با آن، و نه به عنوان میراث این نظام بلکه به عنوان رقیب آن یا به هرصورت وجود گذاشت. تحت این شرایط وظایف سه‌گانه دیکتاتوری پرولتاریا که در سطور پیشین برشمرده شد. اساساً محول یافت و نه تنها نقش سرکوبگران در هر صده داخلی و خارجی بشدت رشد کرد بلکه وظیفه سوم آن یعنی بسط دمکراسی و خودگردانی نیز اساساً ناممکن شد زیرا ضرورت رشد شتابان اقتصادی و ایجاد زمینه‌های صنعتی سوسیالیسم، برنامهریزی متمرکز و نظام فرماندهی یک سری کادری‌ها زبده را ایجاد می‌کرد. این قبل از آنکه این بحث را دنبال کنیم بگذارد به حال سوال پاسخ گویم که آیا با توجه به آنچه گفته شد انقلاب اکثر از همان آغاز محکوم به شکست بود. به این موضوع نیز تنها از نقطه نظر تاریخی می‌توان پاسخ گفت. نظام سرمایه‌داری در قرن نوزدهم خود را به عنوان شیوه تولیدی مسلط مستقر ساخت و تا آغاز قرن کنونی همه جهان را به سلطه خود درآورد. قانون قمری رقابت نیروهای مولده عقبی پدید آورد. اما

در همین حال فقر و جنایت را نیز در مقیاس عظیم بسط داد. اما در همین حال این نظام لاجرم آنتی خود را نیز در اندیشه تکامل ایجاد کرد: «جامعه‌ای تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است (مارکس) از آنجایی که اندیشه مزبور نه فقط آلت‌ناتیو سیاسی و اجتماعی در برابر سرمایه‌دار بلکه در همین حال یک آلت‌ناتیو اخلاقی نیز بود. فراتر از جنبش کارگری در دواپرو روشنفکران متره نیز برای خود جا باز کرد. شرایط عینی بسط‌اندیشه سوسیالیستی محصول خود نظام سرمایه‌داری بود. در آن هنگام نیز به‌مانند همیشه در تاریخ این خرات و اهمیت بود که نفی خود را ایجاد کرد. چنانچه جهانی‌اول همه تضادهای اجتماعی را به انفجار سو داد. در چنین هنگامی بود که ابتدا در روسیه سپس در آلمان، اتریش، مجارستان، ایتالیا و سایر کشورهای باشعله‌های انقلاب فوران کرد. امیدانسان‌ها که فحایع جنگ را پشت سر داشتند و آمادگی آنها برای از خودگذشتگی عظیم بود. اما انقلاب تنها در روس توانست به پیروزی برسد و در سایر کشورها شدیدترین اشکال فاشیستی تروریستی لگدمال شد. در یک سری کامل از کشورهای به‌منظور دفع رادیکا همه خطرات انقلاب حکومت‌های فاشیستی مستا شدند: مجارستان سال ۱۹۱۹، ایتالیا ۱۹۲۲، لهستان ۱۹۲۷، آلمان ۱۹۳۳، اتریش ۱۹۳۴، اسپانیا ۱۹۳۶»

بنابر این در سال ۱۹۱۷، صرف نظر از آنکه به‌لحا جهان بینی چه موضعی در برابر انقلاب اکت داشته‌باشیم، فصل نوینی در تاریخ جهانی آغاز شد تا آغاز قرن کنونی همه جهان تحت سیاد، سرمایه‌داری قرار داشت. آنگاه دولتی تشکیل شد که تحت ابتدایی‌ترین شرایط برای تحقق یک آلت‌ناتیو بیا خواست. درست به همین خاطر محافل رهبر: جهان سرمایه‌داری دمی از تلاش جهت نابودی این آلت‌ناتیو باز نایستادند. آنها به حق بیم داشتند که اگر روسیه موقت به تثبیت این آلت‌ناتیو شود، جنبه کارگری در کشورهای آنها و جنبش‌های بی‌پسند در ممالک تحت سلطه استعمار در آن محرک و پشتیبان خود را خواهد یافت. همین هراس جنگ مداخله‌گرا: سالهای ۱۹۲۱-۱۹۱۸-۱۹۱۴ کشور سرمایه‌دار، علیه روسیه شوروی را برانگیخت. هجوم فاشیسم در جنگ جهانی دوم و جنگ سرد و سابقه تسلیحات و متعاقب آن نیز از همینجا سرچشمه میگیرند. این جنگ که نزدیک به ۷۰ سال ادامه داشت اکنون پایان یافته است. سرمایه‌داری به مثابه یک نظام جهانی در این جنگ پیروز شد. این جنگ -تولاتی قربانیان زیادی ببار آورده است. این قربانیان در ابتدا با شور فدکاری به بار آمدند. تا هنگام دفع هجوم فاشیسم همین شور و فدکاری تعیین‌کننده رفتار توده بود. سپس، هنگامی که شور و فدکاری رخت برست هر چه بیشتر روش‌های آذاری، فرماندهی و سپس تضحیتی جایگزین شد. همه اینها نشان آن بود که جوامع سوسیالیستی قوای کافی نداشتند تا از همد نبرد با قوای برتر سرمایه‌داری برآیند. بسیاری از کمونیست‌های دور اندیشی که ناهنجاری‌های جوامع سوسیالیستی را دریافته بودند تصور می‌کردند و امید داشتند که سوسیالیسم در یک محلت طولانی‌تر قادر شود خود را تثبیت کرده و بر ناهنجاری‌های خود فلبه‌کند و مشخصه‌های اساسی خود را به تدریج هر چه بیشتر بسط دهد. این امید یک سراب بود پروسترویکای گورباچف نیز چیزی نیست جز امضای قرارداد این شکست و اعتراف به آنکه شوروی قادر به ادامه این نبرد نیست.

عوامل اجتماعی فرهنگی نیز در این شکست بی‌تأثیر نبودند. دمکراسی سوسیالیستی در واقع چیزی نیست جز تکامل دمکراسی بورژوازی. روسیه کشوری بود که در آن نه دوران روشنگری و نه تمدن بورژوازی نقش‌شایانی ایفا نکردند. کشوری که انقلاب بورژوازی را بر خود ندیده بود. مارکس گفته بود: یک جامعه نوین تنها زمانی قادر است پدیدآید که جامعه کهنه همه قوای خود را بسط داده باشد. در روسیه سرمایه‌داری تا آنکه به بسط قوای خود کرده‌بود. اما در آن هنوز جامعه بورژوازی وجود نداشت بلکه یک استعداد نیمه فؤدالی یا چند مرکز صنعتی و یک جنبش کارگری متشکل وجود داشت. این جنبش نیروی رهبر انقلاب بود. اما نیمی از طبقه کارگر در جنگ داخلی از بین رفت. از هنگام پیروزی انقلاب اکثر روزی نبود که اعضای جامعه شوروی بتوانند در آسایش قوای خود را بر ساختمان سوسیالیسم متمرکز کنند. البته همانطور که در آغاز مقاله متذکر شدم فرایند این امر، یک روند مکانیکی نیست و همواره اکثر تالیف‌های اجتماعی - سیاسی نیز موجودند. اما این اکثر تالیف‌ها، یعنی هلنیت نیز محایا در نمایش وضعیت واقعی و هلل پیدایش این وضعیت و بسج دمکراتیک توده‌ها بر پایه این واقع‌نگری مورد بهره‌برداری قرار نرفتند. برهکس راه اداری - فرماندهی در پیش گرفته شد که ظاهراً آسانترین راه بود و با سنت‌های روسیه انطباق داشت. راه دیگر همارت از گلاسنوست بود. یعنی دوربینی، صداقت و دمکراسی. و این مشخصه دومین بعد سیاست گارباچف است. این سیاست نه فقط به معنی امضای قرارداد شکست بلکه در همین حال تلاش است برای آن که در این آخرین لحظات راهگشای تصحیح راه گردد تا لاقط برخی شرایط پایه‌ای تکامل سوسیالیستی را اجناس دهد.

آنگون از آنچه گفته شد چه چشم‌اندازی حاصل می‌آید؟ کدام ضرورت‌ها روشن می‌شدند و چه باید کرد؟ بشریت در برابر تصمیم بی‌اندازه عظیمی قرار دارد. دانش و توان انبوهی که طی سلسله‌گردها آمده است امروز برای آن بین بردن قطعی فقر و گرسنگی در همه جهان کفایت می‌کند. اما بر زمینه سرمایه‌داری و با ابزار و روش‌های سرمایه‌داری این مشکل قادر به حل شدن نیست. این نظام تاکنون

بجریه وحسرت سالهای گذشته

یه از صحنه آخر مت ۳ هزار نایر خریده بود. و مبیل او دیگر رنگ زده شده ست و وی توان خریدن لوازم کی را ندارد. امروز قیمت یک و مبیل دست دوم سالم، صد هزار بر است.

بطور کلی، ۲۸ دانشگاه این نوره، نمونه‌ای شم انگیز از صعود سقوط اقتصاد نیجریه‌اند. نگاه‌های زمانی توسعه یافتند که بر تلاشی پایه‌های اقتصادی با هوش قیمت نفت آغاز شده بود. در لی که در سال‌های اخیر، شمار دانشجویان ۵۰ درصد افزایش نت به ۱۴۰ هزار نفر رسیده، دجه آموزشی کشور کاهش نته است. "در گذشته ۱۲۵ هزار جوان نیجریه‌ای در خارج بصل می‌کردند. امروز دیگر ما در حدود ۱۱۰۰ بورسیه ارج مانده‌اند. شمار بسیار صدودی از مردم می‌توانند خارج تحصیل در خارج با بودجه خصی را متمصل شوند. سه‌های کتابخانه‌ها، منظره شم لیزی دارد: جدیدترین کتابها و جلات، مربوط به سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ است. از آن به بد، پولی برای خرید وجود اشته است. بنابراین رساله‌ها لوز اجتناب ناپذیر کنه‌اند. ای پاپر جا نگهداشتن سیستم خرج "مجمع دانشگاهی" دانشجویان باید خود خرج وراک و مسکن را بدهند. بین ترتیب برای بسیاری از رزندان خانواده‌های کم‌بضاعت، بصل غیر ممکن شده است، و خی دیگر، اتاقتان در خوابگاه ا به دیگران گرایه می‌دهند. غوری که اغلب به جای سه نفر، شت دانشجو در یک اتاق زندگی ی‌کنند.

هم افراد فقیر که دیگر ستشان به دهنشان نمی‌رسد، م مرفه‌ترها که مجبور شده‌اند بصل زندگی خود را تنزل دهند، بطور روزمره بدنال این اند که از وت لایموت جامعه که هر روز هم حتر می‌شود، بخش بیشتری از آن نود سازند. این سنت رایج در نریقا که از یک کار یا یک کمک دردانی شود، در قالب مناسبات ولی رفته است. در اروپا به این اکتیک بقاء کلمات زشتی مانند

و جنگ جهانی دید آورد. و تا به امروز به ستمگری ستمجاری همه قاره‌ها پرداخته و مسبب فقر و گونبختی میلیاردان فقر از انسانها شده است. در سال‌های اخیر در محافل غربی چنین بلوه داده می‌شود که: سرمایه‌داری یعنی رفاه و جگرسی،... و سوسیالیسم یعنی تضیقات و یکتاتوری... هنگامه آنست که یادآوری شود که سرمایه‌داری یک نظام جهانیتست و نمی‌تواند فقط راساس متویله‌ها سنجیده شود بلکه باید بر اساس آنچه ر. شیلی، ترکیه، فیلیپین و... نیز نمایان می‌سازد. جورد سنجش قرار گیرد و اینکه بین ثروت در آن بخش افتقر این بخش یک رابطه هلت و معلولی وجود دارد. نازه اگر از کشورهای نظیر آلمان غربی، سوئد و ظایر آن بگذریم و در همین اروپا نیز شهرهای ودآلود بیرمنگام و منچستر و کشورهای نظیر اسپانیا و یونان و جنوب ایتالیا و قیریه را بنگریم در غوامیم یافت که سطح زندگی در برخی کشورهای سوسیالیستی به مراتب بالاتر از این جوامع بوده ست.

اگر درست باشد که واقعیت اجتماعی خود تضادهایی را تولید می‌کند که از درون آنها نیروی عمل زاده می‌شود، آنگاه البته این دیالکتیک بر اثر اضمحلال کشورهای سوسیالیستی از بین نرفته است. اما آنچه مربوط به مردم کشورهای سوسیالیستی می‌شود باید گفت که آنها تاکنون آنچه را که خود را به نادرست "سوسیالیسم پیشرفته" می‌نامید تجربه کرده‌اند. آنها اکنون سرمایه‌داری واقعا موجود را تجربه خواهند کرد تا بمال آن را همدتا به عنوان جامعه درخشان مصرف در جوامع صنعتی پیشرفته قلمداد کرده‌اند و نه جامعه کار در جوامع کم توسعه‌تر. این تجربه برای آنها تجربه سختی خواهد بود. آنها لاقط می‌دانند که حقوق اجتماعی چیست و اکنون این رانیز دریافته‌اند که یک حرکت اجتماعی

که به سرنشینان اتومبیل‌ها، که بی دفاع د رچنبه ترافیک و فروشنندگان قرار می‌گیرند، هر چیز قابل حمل را هر ضمه می‌کنند: از ساعت مچی گرفته تا آنتن‌های پرتابل تلویزیون و صدنلی مخصوص بچه. اگر دولت بخواهد محدودیت واردات راتشدید کند یا بطور جدی به کنترل قاچاق اجناس بپردازد، با خشم "پسران لاگوس" روبرو خواهد شد، زیرا بیشتر کالا‌هایی که آنها به سرنشینان اتومبیل‌ها عرضه می‌کنند، از خارج می‌آید. و اگر "پسران لاگوس" دست به شورش بزنند، چنین شورش‌هایی هر دولتی مشکلی بزرگتر از یک اعتصاب خواهد بود. در مقابل اعتصاب، می‌توان افراد اعتصاب شکن خرید و به رهبران سندیکاها رشوه داد. اما "پسران لاگوس" تشکل ثابتی ندارند و به زحمت گیر می‌افتند.

ممر معاش "پسران لاگوس"، شیفتگی مردم نیجریه به کالا‌های وارداتی است. از مایه خمیر هلندی تا شلوارهای تایلندی، هر چیزی که در خارج تولید شود، بهتر از کالا‌های داخلی است، حتی انبوه لباس‌ها و کفشهای کنه و مندرس از اروپا، که در صدها بساط بازار عظیم یا با دیده می‌شود، رتیب خطرناکی برای صنایع محلی است. دولت روی آگهی‌های بزرگ کنار خیابان نوشته است: "ما دواره در پیش داریم: خودکفایی یا اسارت اقتصادی". در این پوسترها محصولات کشاورزی تحسین می‌شود. دولت، از مردم دعوت می‌کند به روستاها و به تولید کشاورزی بازگردند. اما بر سرش هر خیابان لاگوس، مردم قرص‌های نان سفید تهیه شده از گندم وارداتی را می‌خرند و می‌خورند. کمتر کسی است که مایل باشد شهر را ترک کند، زیرا در شهر هنوز مغرها و امکانات زیادی برای دستیابی به چند نایرا فراهم است، امکاناتی که اغلب کاملا قانونی نیست، اما چه می‌شود کرد؟

نرخ تورم در ماه‌های اخیر طبق آمار رسمی از ۵۱ درصد به ۳۱ درصد کاهش یافته است. گفته می‌شود ذخایر ارزی به حدود ۲/۳ میلیارد رسیده است. این امر نتیجه افزایش سمجه استخراج نفت نیجریه از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و بالا رفتن قیمت

قادر به انجام چه دگرگونی‌هایی است. در یک کلام این مردم در درازمدت نیروی کار سهل و ساده و جامعه مصرف ناآگاه نخواهند بود. بعلاوه ۸۰ درصد از بشریت که ساکن کشورهای جهان سوم است تا ابد به انقیاد و استعمار یک اقلیت کوچک تن نخواهد داد. جنبش‌های انقلابی دوران پس از انقلاب اکتبر تحت تاثیر این اعتقاد قرار داشتند که اکنون دگرگونی‌های سوسیالیستی آغاز شده و در مدت کوتاهی در ابعاد جهانی به پیروزی می‌رسد. تا اوایل سال‌های ۸۰ پیروزی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در بسیاری از کشورهای این اعتقاد را کماکان پابرجا نگاه داشته بود. چنین تصوراتی باید از ریشه هوش شوند. نگاهی به چگونگی پیدایش جامعه بورژوازی نشان میدهد که تحولات تاریخی باید با ابعاد زمانی دیگری محاسبه شوند. در همان قرن ۱۲ میلادی در آفوش جامعه فئودالی مناسبات بورژوازی شکل گرفت. اما چندین دهه طول کشید تا بخشی از بورژوازی علیه فئودالیسم شورید. این قیام در سال ۱۵۲۵ با یک شکست سمگین به پایان رسید. فئودالیسم سیادت خود را احیا کرد و حتی توانست نظام سرواژ را که تا آن زمان در بسیاری جاها لغو شده بود از نو ایجاد کند. سپس دوباره ۲۵۰ سال طول کشید تا فئودالیسم و رژیم مطلقه در فرانسه سرنگون شدند. اما ۲۵ سال پس از آن در سال ۱۸۱۵ هر کسی که دید تاریخی نداشت مجبور بود اعتراف کند که جمهوری دمکراتیک مرده است. سلطنت مطلقه دوباره بر همه اروپا استیلا یافت. اما دیالکتیک تاریخ البته از بین نرفته بود. قوای انقلاب بورژوازی از بین نرفته بود. همانطور که امروز نیز قوای سوسیالیسم از بین نرفته است. تضادهای می‌مانند و رشد می‌کنند و ضرورت‌ها نیز همینطور. تاریخ هنوز آخرین کلام خود را ادا نکرده است.

نفت تاپیش از فرا رسیدن بهار بوده است. اما بزرگترین مانع بهبود وضع اقتصاد نیجریه، یعنی وابستگی به طلای سیاه، به جای

خود باقی است. این کشور ۹۰ درصد درآمد صادرات خود را از طریق صدور نفت خام و قطران تامین می‌کند. برنامه تغییر

ساختاری که در سال ۱۹۸۶ آغاز شد، تاکنون موفق نبوده است.

خوگیری به الکل:

وراثت یازمنه‌های اجتماعی؟

ترجمه از Tageszeitung

حبیب بهداد

تحریک وانگیزش شدید و پیوسته وادارند و بدین سان کمبودیاد شده را جبران کنند. به لحاظ تئوریک ژن ناهنجار تازه یافت شده می‌تواند در کمبود گیرنده‌های دوپامین بر روی سلولهای عصبی و یا ناتوانی آنها در جذب دوپامین نقش بسزایی داشته باشد. گودریس بر آن است که ژن یاد شده نه تنها در گرایش به الکل بلکه در زمینه اشتها و رفیت همومی فرد و نیز تعداد معینی از رفتارها و حرکات وی کارایی برجسته‌ای دارد. نوبل که مسئولیت هدایت پژوهش‌یاد شده را به عهده دارد نیز می‌گوید: "طبیعت نه ژن و نیزه‌ای برای الکل بلکه ژنی برای میل و رفیت عاطفی و اشتها همومی آفریده است." با کشف یاد شده اکنون حتما روشن می‌شود که چرا احتمال خوگیری فرزندان افراد الکلی ۴ بار بیشتر از فرزندان افراد هادی است. نقش وراثت در خوگیری به الکل پیش از این نیز در پژوهش بر روی برخی دوقلوها و فرزند خوانده‌ها تا حدودی آشکار گشته بود. با اینهمه پژوهشگران یادآوری می‌کنند که هر گونه خوگیری به الکل را نباید به عوامل ارثی پیوند داد، زیرا که برخی از افراد مورد پژوهش به رفم ناهنجاری ژنتیک هیچگاه به الکل خو نگرفته بوده‌اند و در برابر برخی دیگر به رفم سلامت ژنتیک همتا. به الکل بوده‌اند. و درست همینجاست که نقش عوامل اجتماعی در خوگیری به الکل دوباره طرح و برجسته می‌شود.

خوگیری به الکل تنها زمینه اجتماعی ندارد و می‌تواند به میزان معینی به عوامل ارثی بستگی داشته باشد. این گمانه که چندان تازه هم نیست، اکنون با برآمدهای بدست آمده از پژوهش‌های دانشمندان آمریکایی پشتوانه علمی و منطقی‌تر یافته است. این پژوهشگران در بررسی‌های خود به گونه‌ای ناهنجاری ژنتیک برخورد کرده‌اند که بیشتر در ژنهای افراد الکلی یافت می‌شود. به گفته انوخ گودریس از اعضای انجمن ملی مبارزه با خوگیری به مواد مخدر و الکل در آمریکا بررسی‌های آماری بر درستی چنین کشفی گواهی می‌دهند، با اینهمه برای نتیجه‌گیری قطعی هنوز انجام پژوهش‌های بیشتری بایسته است. دو پژوهشگر آمریکایی بنامهای ار نست نوبل و کنت بلوم پس از بررسی و پژوهش بر روی هفت ۷۰ انسان مرده به شناخت ناهنجاری ژنتیک یاد شده و نقش عوامل وراثتی در خوگیری به الکل راه برده‌اند. ۳۵ نفر از افراد مورد پژوهش به الکل خوگیری داشته‌اند که همین امر به بیماری جگر آنها و ماله مرگ آنها انجامیده است. ۳۵ نفر دیگر اما افراد سالمی بوده‌اند. پژوهشگران یاد شده بر روی یکی از ژنها به نام ژن گیرنده د-م (Rezeptor-Gα-d2) رشته‌هایی غیر عادی از DNA (دزوکسی ریبو نوکلئیک اسید) یافته‌اند. گفتنی است که ژن یاد شده خود بر روی کروموزم شماره ۱۱ قرار دارد. در ۲۸ درصد کل افراد یاد شده و در ۷۷ درصد از ۳۵ نفر افراد خو گرفته به الکل چنین ناهنجاری ژنتیکی دیده شده است. ژن گیرنده D۲ همراه با ماده‌ای به نام دوپامین در ارضای رفیتهای هادات و اشتعای انسان نقش برجسته‌ای بازی می‌کند. ژن یاد شده بر رویه برخی از سلولهای عصبی مغز گیرنده‌هایی (Rezeptor) می‌سازد که جذب کننده دوپامین هستند. تحریک وانگیزش برخی از سلولهای عصبی به تراوش دوپامین از آنها می‌انجامد و با جذب دوپامین توسط گیرنده‌های رنجبیره‌ای از واکنش‌ها روری می‌دهد که برخی هاداتها و نیازهای جسمانی و روانی انسان را کنترل می‌کنند. انسان از چندی پیش از رهگذر پژوهش‌های خود در مورد موش صحرایی به پیوند میان گیرنده‌های دوپامین و نیازها و رفتارهای هادات گونه آشنا بوده است. دانشمندان فنلاندی سالها پیش دریافته‌اند که آن موشهای صحرایی که گرایشی ذاتی به الکی نشان می‌دهند در سنجش با سایر موشهای صحرایی از شمار کمتری از گیرنده‌های دوپامین برخوردارند. از اینرو آنها تلاش می‌کنند گیرنده‌های موجود خود را با مصرف مواد الکل دار به

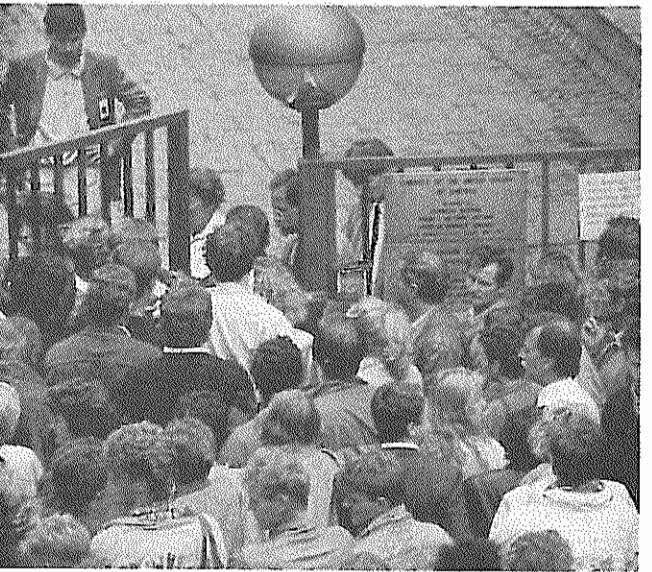
تواند به میزان معینی به عوامل ارثی بستگی داشته باشد. این گمانه که چندان تازه هم نیست، اکنون با برآمدهای بدست آمده از پژوهش‌های دانشمندان آمریکایی پشتوانه علمی و منطقی‌تر یافته است. این پژوهشگران در بررسی‌های خود به گونه‌ای ناهنجاری ژنتیک برخورد کرده‌اند که بیشتر در ژنهای افراد الکلی یافت می‌شود. به گفته انوخ گودریس از اعضای انجمن ملی مبارزه با خوگیری به مواد مخدر و الکل در آمریکا بررسی‌های آماری بر درستی چنین کشفی گواهی می‌دهند، با اینهمه برای نتیجه‌گیری قطعی هنوز انجام پژوهش‌های بیشتری بایسته است. دو پژوهشگر آمریکایی بنامهای ار نست نوبل و کنت بلوم پس از بررسی و پژوهش بر روی هفت ۷۰ انسان مرده به شناخت ناهنجاری ژنتیک یاد شده و نقش عوامل وراثتی در خوگیری به الکل راه برده‌اند. ۳۵ نفر از افراد مورد پژوهش به الکل خوگیری داشته‌اند که همین امر به بیماری جگر آنها و ماله مرگ آنها انجامیده است. ۳۵ نفر دیگر اما افراد سالمی بوده‌اند. پژوهشگران یاد شده بر روی یکی از ژنها به نام ژن گیرنده د-م (Rezeptor-Gα-d2) رشته‌هایی غیر عادی از DNA (دزوکسی ریبو نوکلئیک اسید) یافته‌اند. گفتنی است که ژن یاد شده خود بر روی کروموزم شماره ۱۱ قرار دارد. در ۲۸ درصد کل افراد یاد شده و در ۷۷ درصد از ۳۵ نفر افراد خو گرفته به الکل چنین ناهنجاری ژنتیکی دیده شده است. ژن گیرنده D۲ همراه با ماده‌ای به نام دوپامین در ارضای رفیتهای هادات و اشتعای انسان نقش برجسته‌ای بازی می‌کند. ژن یاد شده بر رویه برخی از سلولهای عصبی مغز گیرنده‌هایی (Rezeptor) می‌سازد که جذب کننده دوپامین هستند. تحریک وانگیزش برخی از سلولهای عصبی به تراوش دوپامین از آنها می‌انجامد و با جذب دوپامین توسط گیرنده‌های رنجبیره‌ای از واکنش‌ها روری می‌دهد که برخی هاداتها و نیازهای جسمانی و روانی انسان را کنترل می‌کنند. انسان از چندی پیش از رهگذر پژوهش‌های خود در مورد موش صحرایی به پیوند میان گیرنده‌های دوپامین و نیازها و رفتارهای هادات گونه آشنا بوده است. دانشمندان فنلاندی سالها پیش دریافته‌اند که آن موشهای صحرایی که گرایشی ذاتی به الکی نشان می‌دهند در سنجش با سایر موشهای صحرایی از شمار کمتری از گیرنده‌های دوپامین برخوردارند. از اینرو آنها تلاش می‌کنند گیرنده‌های موجود خود را با مصرف مواد الکل دار به

لهمستان: انشعاب در "همبستگی"

فصلیت طرفداران والسا از برکناری یاروولسکی در حالی است که رئیس جمهوری لهمستان تاکنون مانعی بر سر اعمال سیاستهای دولت مازوویتسکی ایجاد نکرده است. یاروولسکی حتی اخیرا کنار گذاشتن وزرای کشور و دفاع را که در گذشته کمونیست بودند، پذیرفت. طرفداران مازوویتسکی طرحی به پارلمان لهمستان ارائه داده‌اند که به موجب آن، رئیس جمهور این کشور باید مستقیما توسط مردم انتخاب شود و نه در پارلمان تصویب این طرح، انتخاب رئیس جمهور را حداقل به بعد از انتخابات پارلمان در سال آینده موکول خواهد کرد. گفته می‌شود مازوویتسکی می‌خواهد برای جلوگیری از رئیس جمهور شدن والسا، خود را کاندید ریاست جمهور می‌کند. طبق برخی نظرسنجی‌ها، محبوبیت مازوویتسکی نزد مردم لهمستان بسیار بیش از والسا است.

اساسی لهمستان، حتی اکثریت پارلمان نیز امکان برکناری رئیس جمهور را ندارد.

بقیه از صحنه آخر مسئله احراز این یان پست توسط افراد معین می‌داند. طبق قانون



از دحام مردم در مقابل دروازه سفارت آمریکا در ورشو

شرکت‌های چندملیتی

فراملیتی

ماورای ملیتی

علاوه بر چهار اصل یعنی نام برده در فوق که هر یک به نحوی شرکت‌های چند ملیتی را برانگیختند تا بنگاه‌های تولیدی و خدماتی خود را در دیگر کشورها که جویایگی شرایط آنها باشند، مستقر نمایند، راه‌های غیر مشهود دیگری هم جهت انتقال سود بیشتر وجود دارند. منظور از راه‌های غیر مشهود آن نیست که ثروت‌های اندوخته شده دوران چشم مسئولین حکومتی قرار گیرد. خیر! حتی در صورت ضرور می‌توان دفاتر حساب رسمی شرکت‌ها را هم از نظر مالیاتی مورد بازرسی قرار داد و احتمالاً مشاهده کرد که همه چیز صورت "دمکراتیک" جریان دارد و بقول معروف گلاستونست شامل حال این شرکت هم می‌گردد. این راه "دمکراتیک" مکانیسم خود را دارد که در علم اقتصاد سرمایه‌داری به "قیمت انتقالی" (۱) معروف است. این مکانیسم دارای دو کانال عمده تحصیل سهم بیشتر سود سرمایه می‌باشد. یکی کانال بازرگانی و

تولیدی و دیگری مالی است. موضوع "قیمت انتقالی" بحثی بسیار وسیع و از حوزه یک مقاله چند صفحه‌ای خارج است. طرفداران "بازار رقابت کامل" معتقدند که استفاده از این مکانیسم بسیار محدود می‌باشد. اما اگر بپذیریم که شرکت‌های چندملیتی ضمن رقابت با هم سعی در انحصاری کردن بیشتر بخش‌های اقتصادی دارند و خود شرکت‌های چند ملیتی اغلب در موقعیت انحصاری قرار دارند آنگاه وضع به گونه دیگری خواهد بود. مثلاً در صنعت اتومبیل سازی رقبای زیادی در هر ضلع مدلهای مختلف وجود دارند ولی هر شرکت انحصار مدل خاص خود را از نظر کیفی دارد. بنابراین

استفاده از "قیمت انتقالی" می‌تواند مد نظر هر یک از آنها قرار گیرد. حالا که این مکانیسم قابل استفاده است می‌توان با آوردن بنیادهای

لمستان: انشعاب در "همبستگی"

بنیاد ماها اختلاف و کشمکش میان تادئوش مازوویتسکی نخست وزیر لمستان و لخ والسا رهبر اتحادیه "همبستگی"، این اتحادیه دچار انشعاب شد. طرفداران مازوویتسکی، روز شنبه ۲۸ ژوئیه حزبی به نام "جنبش مردمی برای اقدام دمکراتیک" تاسیس کردند. زیبگنیو بویاک، یکی از رهبران

اتحادیه همبستگی در دهه ۸۰، در کنگره موسس این حزب با حضور بیش از هزار نماینده گفت: "در جبهه "همبستگی"، نوهی قطب بندی در جریان است... این امر الزام‌مندی نیست." یک ماه پیش از این، پیروان والسا حزبی به نام "اتحاد مرکز" تشکیل داده بودند. حزب والسا خود را یک حزب "راست میانه"

تن از رهبران حزب کمونیست، عضو کمیته اجرایی ملی کنگره ملی آفریقا نیز هستند. دو نفر از ۲۱ عضو رهبری، هم‌اکنون در زندان به سر می‌برند. همچنین رونی کاسریلز که در حال حاضر تحت تعقیب است، در رهبری عضویت دارد و در گردهمایی سوئو حضور داشت.

وضعیت نامعلوم در لیبریا

در اوایل هفته گذشته از لیبر واقع در غرب آفریقا گزارش شد که شورشیان به رهبری چار تیلور توانسته‌اند مونروپایا پایتخت این کشور را تصرف کنند و دولت جدیدی تشکیل دهند. اما اواسط هفته، نیروهای وفادار ساموئل دو رئیس جمهور لیبر توانستند دست به تهاجمی علیه شورشیان زده و بخش‌هایی پایتخت را بار دیگر تصرف خود درآوردند. در روز سه شنبه ۱ ژوئیه، در حدود ۵۰۰ سربا دولتی ساختمان‌های وزارت دارایی و وزارت دفاع را تصرف کردند و در جهت مرکز شهر پینا رفتند. جنگ در لیبریا بیش از پیش؛ صورت یک جنگ قبیله‌ای درآمد است. علاوه بر نبرد میان نیروهای وفادار به ساموئل دو و شورشیان در میان خود نیروهای مخالف دیکتاتور لیبریا نیز درگیری‌هایی جریان دارد. پرنس جانسور یکی از همکاران نزدیک تیلو رهبر شورشیان، رهبری یک گروه جدید را به عهده گرفته، با گروه خود تا نزدیکی مقر رئیس جمهور پیش رفت. در شب دو شنبه ۳۰ ژوئیه، در مونروپا جنایت هولناکی روی داد که بیشتر ناظران، عاملان آن سربازان وفادار به ساموئل دو می‌دانند. چندی نفر غیر نظامی، از جمله صدها زن و کودک، که بد یک کلیسا پناه برده بودند، توسط نظامیان قتل عام شدند. سربازان در ساعت دو پس از نیمه شب وارد کلیسا شدند و به روی افراد داخل آن آتش گشودند. بیشتر قربانیان، از قبایلی هستند که از شورشیان حمایت می‌کنند. در مقابل، هزاران تن از افراد وابسته به قبایل متحد ساموئل دو به کشورهای همسایه لیبریا گریخته‌اند. آنها می‌گویند صدها تن از افراد قبایلشان توسط شورشیان به قتل رسیده‌اند. تلاش‌هایی برای طرح مسئله لیبریا و آتش‌بس در جنگ داخلی این کشور در سازمان ملل جریان دارد.

آغاز فعالیت علنی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی

پس از چهل سال ممنوعیت، روز یکشنبه ۲۹ ژوئیه حزب کمونیست آفریقای جنوبی طی یک گردهمایی بزرگ در استادیوم فوتبال سوئو، از سرگیری فعالیت علنی خود را اعلام کرد. در حضور بیش از ۵۰ هزار تن از مواداران حزب، اسامی اعضای رهبری ۲۱ نفره حزب اعلام شد. جو سلوو، دبیر کل حزب، کریس هانی، فرمانده ارتش رهایی بخش مشترک کنگره ملی

آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی و ری الکساندر، از زنان مسئول اتحادیه‌های کارگری و بنیانگذار سازمان زنان آفریقای جنوبی، از جمله رهبران حزب هستند. تعداد زیادی از اعضای رهبری، به عنوان فعالان سندیکایی شناخته شده‌اند. هشت



فروشندهان دوره‌گر در لاکوس، پایتخت نیجریه، هر چیز را که قابل حمل باشد، می‌فروشند.

نیجریه وحسرت سالهای گذشته

دائمی خواهد بود. مردم برای هم تعریف می‌کنند که چگونه در لاکوس خیابان‌ها را می‌بستند تا جشن‌های مفضل بر پا کنند. این جزئی از فرهنگ نیجریه است که اقنابا بلند طبیعی از ثروت خود به دیگران هم بخشند و بدین گونه بر اعتبار اجتماعی خود بیافزایند. بطور سنتی، هدف ثروتمند شدن، مصرف است و نه انباشتن سرمایه. در هیچ کشور آفریقا مانند نیجریه اقتصاد با چنین سرهتی به افول نرفته است. اوایل دهه ۸۰ درآمد سرانه در نیجریه بیش از هزار دلار بود و امروزه به ۳۰۰ دلار هم نمی‌رسد.

شده‌اند زیرا قیمت کاغذ در نیجریه ظرف دو سال گذشته به ۴۰ برابر افزایش یافته است. فستوس، راننده تاکسی، با حسرت از دوره‌های سخن می‌گوید که صاحب دو اتومبیل بود. او ناچار شده است تاکسی‌هایش را بفروشد و مخارج زندگی خود را اکنون به عنوان راننده‌ای در استخدام دیگران تامین می‌کند. یک استاد دانشگاه که در گذشته حداقل سالی یک بار به لندن سفر می‌کرد، اینک در یک مجتمع مسکونی حقیرانه برای کارکنان دانشگاه ساکن است.

کشور آفریقای نیجریه نیز مانند ایران، نفت خیز است. اما نیجریه نیز مانند ایران، نتوانست از فرصت مناسبی که "رونق نفتی" در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ ایجاد کرده بود، برای رشد سریع اقتصادی استفاده کند. اکنون نیجریه نیز با مسائلی دست به گریبان است که سایر کشورهای آفریقای سیاه، کشورهای که ثروت طبیعی نیجریه را ندارند، با آن مواجهند. این گزارش خبرنگار روزنامه آلمانی "فرانکفورتر روندشاو" به خوبی اوضاع ناسامان اقتصاد نیجریه را بازتاب می‌دهد.

برای همه مردم نیجریه، گذشته دورانی انسانه‌ای است. وقتی درباره گذشته، درباره اوایل دهه ۸۰، وقتی که این کشور هنوز در اوج رونق نفتی فوطه می‌خورد، سخن می‌رود، از آن زمان مانند بهشت همدنی یاد می‌شود که مردم نیجریه را از آن بیرون کرده‌اند. هم فستوس تاکسی‌ران و هم آن استاد دانشگاه، گمان می‌کردند رفاقه بدست آمده

گذشته دورانی انسانه‌ای است. وقتی درباره گذشته، درباره اوایل دهه ۸۰، وقتی که این کشور هنوز در اوج رونق نفتی فوطه می‌خورد، سخن می‌رود، از آن زمان مانند بهشت همدنی یاد می‌شود که مردم نیجریه را از آن بیرون کرده‌اند. هم فستوس تاکسی‌ران و هم آن استاد دانشگاه، گمان می‌کردند رفاقه بدست آمده

در اتاق هتل در لاکوس، یک یادداشت مودبانه به مهمان هتل تذکر می‌دهد که نیتل، شرکت تلفن دولتی، نرخ تلفن را ۸۰۰ درصد افزایش داده است. از این رو با کمال تاسف، یک گفتگوی تلفنی سه دقیقه‌ای به جای شش نایرا، ۶۰ نایرا تمام خواهد شد. اخیراً، روزنامه‌ها نیز کم حجم‌تر

اسرائیل می‌خواهد

مهاجران شوروی را

در مناطق اشغالی اسکان دهد

رئیس دایره اسکان اداره مهاجرت اسرائیل اعلام کرد طرف ۶ ماه آینده حدود ۳۰ هزار مهاجر یهودی از شوروی، در مناطق اشغالی فلسطین اسکان داده خواهند شد. این اظهارات مقام نامبرده اسرائیلی که طی دیداری از ساکنان یهودی منطقه اشغالی فزه به عمل آمد. برخلاف قول‌های مقامات دولت اسرائیل در چند هفته گذشته است که تحت فشار بین‌المللی گفته بودند که مهاجران یهودی شوروی در مناطق اشغالی اسکان داده نخواهند شد.

مسئول اسکان مهاجران گفت در پایان سال ۱۹۹۰، حدود ۱۲۰ هزار یهودی در مناطق اشغالی فلسطین سکونت خواهند داشت. در حال حاضر شمار سکنه یهودی کرانه غربی رود اردن ۸۰ هزار و تعداد یهودیان ساکن نوار فزه ۱۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. دولت شوروی پس از

رئیس دایره اسکان اداره مهاجرت اسرائیل اعلام کرد طرف ۶ ماه آینده حدود ۳۰ هزار مهاجر یهودی از شوروی، در مناطق اشغالی فلسطین سکونت خواهند داشت. در حال حاضر شمار سکنه یهودی کرانه غربی رود اردن ۸۰ هزار و تعداد یهودیان ساکن نوار فزه ۱۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. دولت شوروی پس از

اکثریت

بشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W.GERMANY

AKSARIYAT
NO. 314
MONDAY 6.AUG.1990

آدرس: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY